

فارسی ۱

ستایش: به نام کردگار

تکرار برای ماندگاری	تمرین نوشتاری	تمرین انتخابی	هم خانواده	مترادف	واژه
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>		فلک	جمع فلک، آسمان‌ها	افلاک
نمونه در متن: به نام کردگار هفت افلاک که پیدا کرد آدم از کفی خاک (ص ۱۰)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> رزاق <input type="checkbox"/> زذاق	رزق، رازق	روزی دهنده	رزاق
نمونه در متن: تویی رزاق هر پیدای و پنهان تویی خلاق هر دانا و نادان (ص ۱۰)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> زهی <input type="checkbox"/> زحی <input type="checkbox"/> ذهی	-	هنگام اظهار خشنودی یا شگفتی از چیزی یا تشویق و تحسین کسی گفته می‌شود. خوشا، آفرین، شگفتا	زهی
نمونه در متن: زهی گویا ز تو، کام و زبانم تویی هم آشکارا، هم نهانم (ص ۱۰)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> فروغ <input type="checkbox"/> فروق	-	روشنایی، پرتو	فروغ
نمونه در متن: فروغ رویت اندازی سوی خاک عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک (ص ۱۰)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> فضل <input type="checkbox"/> فظل	فاضل، تفضیل	لطف، توجه، رحمت، احسان	فضل
نمونه در متن: الهی، فضل خود را یار ما کن ز رحمت، یک نظر در کار ما کن (ص ۱۰)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	دهان	کام
نمونه در متن: زهی گویا ز تو، کام و زبانم تویی هم آشکارا، هم نهانم (ص ۱۰)					
واژه‌های داخل متن					
تکرار برای ماندگاری	تمرین نوشتاری	تمرین انتخابی	هم خانواده	مترادف	واژه
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	حقایق	حقیقتاً	حقیقت
نمونه در متن: جو در وقت بهار آبی بیدار حقیقت، پرده برداری ز رخسار (ص ۱۰)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	یقیناً	یقین
نمونه در متن: همه عزّی و جلالی، همه علمی و یقینی همه نوری و سروری، همه جودی و جزایی (ص ۱۰)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	به این خاطر، از این رو	از آن
نمونه در متن: گل از شوق تو خندان در بهار است از آتش رنگ‌های بی‌شمار است (ص ۱۰)					

گنج حکمت: پیرانهی خرد		درس یکم: چشمه			
تکرار برای ماندگاری	تمرین نوشتاری	تمرین انتخابی	هم خانواده	مترادف	واژه
□□□□ □□□□	برازندگی <input type="checkbox"/> برازنده گی <input type="checkbox"/>	-	شایستگی، لیاقت	برازندگی
(ص ۱۴)		کند از پرتو من زندگی می کند		گل به همه رنگ و برازندگی	نمونه در متن
□□□□ □□□□	-	پیرایش، پیراسته	زیور و زینت	پیرایه
(ص ۱۴)		باغ ز من صاحب پیرایه شد		ابر ز من، حامل سرمایه شد	نمونه در متن
□□□□ □□□□	-	-	تندرو، تیزرو	تیزپا
(ص ۱۳)		زن، چهره نما، تیزپا	غلغله	گشت یکی چشمه ز سنگی جدا	نمونه در متن
□□□□ □□□□	-	جفا	ستمگر، ظالم	جافی
(ص ۱۷)				بارها دست برد زمانه ی جافی را دیده بود.	نمونه در متن
□□□□ □□□□	<input type="checkbox"/> حاذم <input type="checkbox"/> هازم <input type="checkbox"/> حازم	حزم	محتاط	حازم
(ص ۱۷)				در آنگیزی سه ماهی بود: دو حازم، یکی عاجز.	نمونه در متن
□□□□ □□□□	-	-	سرگشته، حیران، فرومانده	خیره
(ص ۱۴)		کز همه شیرین سخنی، گوش ماند		لیک چنان خیره و خاموش ماند	نمونه در متن
□□□□ □□□□	-	-	هجوم و حمله؛ دست برد دیدن: مورد حمله و همچون قرار گرفتن	دست برد
(ص ۱۷)				آن که دست برد زمانه ی جافی را دیده بود.	نمونه در متن
□□□□ □□□□	-	شکننده	پیچ و خم زلف	شکن
(ص ۱۴)		ماه ببیند رخ خود را به من		چون بگشایم ز سر مو، شکن	نمونه در متن
□□□□ □□□□	<input type="checkbox"/> صورت <input type="checkbox"/> صورت	تصوّر، متصوّر	به نظر آمدن، تصوّر شدن	صورت شدن
(ص ۱۷)				چون صورت شد که مرده است [ماهی را] بینداخت.	نمونه در متن
□□□□ □□□□	غلغله زن <input type="checkbox"/> قلغله زن <input type="checkbox"/>	-	شور و غوغاکنان	غلغله زن
(ص ۱۳)		غلغله زن، چهره نما، تیزپا		گشت یکی چشمه ز سنگی جدا	نمونه در متن
□□□□ □□□□	-	تفرّج	گشایش، گشایش در کار و از میان رفتن غم و رنج	فرج
(ص ۱۴)		هر جا که تویی تفرّج آن جاست		ما را سر باغ و بوستان نیست	نمونه در متن
□□□□ □□□□	-	-	بوته یا درخت گل، به ویژه بوته ی گل سرخ	گلبن
(ص ۱۴)		تاچ سر گلبن و صحرا، منم		گفت در این معرکه یکتا منم	نمونه در متن
□□□□ □□□□	-	-	میدان جنگ، جای نبرد	معرکه
(ص ۱۳)		تاچ سر گلبن و صحرا، منم		گفت در این معرکه یکتا منم	نمونه در متن
□□□□ □□□□	-	کید	جمع مکیدت، مکرها، حيله ها	مکاید
(ص ۱۷)				عاقل در دفع مکاید دشمن تاخیر صواب نیبند.	نمونه در متن

میعاد	وعدہ، قرار؛ میعاد نهادن: قرار گذاشتن	موعود، وعدہ	-	□□□□ □□□□
نمونه در متن	دو میعاد، با یکدیگر میعاد نهادند که دام بیارند و هر سه ماهی را بگیرند.	(ص ۱۱۷)			
نادره	بی‌همتا، شگفت‌آور	نادر، نوادر	-	□□□□ □□□□
نمونه در متن	دید یکی بحر خروشنده‌ای	سهمگنی، نادره جوشنده‌ای			(ص ۱۱۲)
نمط	روش، طریقه؛ زین نمط: بدین ترتیب	نمط □ نمّت □	-	□□□□ □□□□
نمونه در متن	زین نمط آن مست شده از غرور	رفت و ز مبدأ چو کمی گشت دور			(ص ۱۱۴)
نیلوفری	منسوب به نیلوفر، به رنگ نیلوفر، لاجوردی، مقصود از «پردہ‌ی نیلوفری»، آسمان لاجوردی است.	-	-	□□□□ □□□□
نمونه در متن	درین این پردہ‌ی نیلوفری	کیست کند با چو منی همسری؟			(ص ۱۱۲)
ورطه	گرداب، گودال، مهلکه، گرفتاری	ورطه □ ورته □	-	□□□□ □□□□
نمونه در متن	خواست کزان ورطه، قدم در کشد	خویشتن از حادثه برتر کشد			(ص ۱۱۲)
هنگامه	غوغا، داد و فریاد، شلوعی	-	-	□□□□ □□□□
نمونه در متن	چشمه‌ی کوچک چون به آن جا رسید	وان همه هنگامه‌ی دریا بدید			(ص ۱۱۴)
یله	رها، آزاد؛ یله دادن: تکیه دادن	-	-	□□□□ □□□□
نمونه در متن	راست به مانند یکی رلزله	داده تنش بر تن ساحل، یله			(ص ۱۱۴)
واژه‌های داخل متن					
واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
صحرا	بیابان بی‌آب و علف، دشت، بیشه	-	-	□□□□ □□□□
نمونه در متن	گفت: درین معرکه بکتا منم	تاج سر گلشن و صحرا منم			(ص ۱۱۳)
همسر	برابر، هم‌طراز، هم‌سنگ	-	-	□□□□ □□□□
نمونه در متن	درین این پردہ‌ی نیلوفری	کیست کند با چو منی همسری؟			(ص ۱۱۲)
زهره	زهرآبدان یا کیسه‌ی صفرا، (امروزه مجاز از دلیری و شجاعت)	-	زهره □ زهره □	□□□□ □□□□
نمونه در متن	نعره بر آورده، فلک کرده کر	دیدہ سیه کرد، شده زهره		در	(ص ۱۱۲)
راست	دقیقاً	-	-	□□□□ □□□□
نمونه در متن	راست به مانند یکی رلزله	داده تنش بر تن ساحل، یله			(ص ۱۱۴)
خاموش	ساکت و بی‌صدا	-	-	□□□□ □□□□
نمونه در متن	لیک چنان خیره و خاموش ماند	کز همه شیرین سخنی، گوش ماند			(ص ۱۱۴)

جفت‌های املایی

جفت‌های املایی					
تکرار برای ماندگاری	تمرین نوشتاری	تمرین انتخابی	هم‌خانواده	مترادف	واژه
□□□ □□□	مبدأ □ مبدع □	ابتداء، بادى (آغاز)	آغاز، اصل	مبدأ
نمونه در متن					
ص ۱۴	رفت و ز مبدأ جو کمی گشت دور		شده از غرور	زین نمط آن مست	
□□□ □□□	مبدأ □ مبدع □	بدیع، بدعت، بدایع	کسی که چیز تازه‌ای بیاورد، نوآور	مبدع
نمونه در متن					
که بر آرد فرع بی اصل و سند			مبدع آمد حق و مبدع آن بود		

روان خوانی: دیوار		درس دوم: از آموختن ننگ مدار			
تکرار برای ماندگاری	تمرین نوشتاری	تمرین انتخابی	هم خانواده	مترادف	واژه
□□□□ □□□□	-	-	غم، حمایت و نگاهداشت، توجه؛ تیمار داشتن: غمخواری و محافظت از کسی که بیمار باشد.	تیمار
نمونه در متن: به آن کس شادیت گوی که او تیمار غم و شادی تو دارد. (ص ۱۸)					
□□□□ □□□□	زایع □ ظایع □ ضایع □	-	تباه، تلف	ضایع
نمونه در متن: رنج هیچ کس ضایع مکن. (ص ۱۸)					
□□□□ □□□□	-	عامل، عوامل	جمع عامل، کارگران، یک تن کارگر زیردست بنا	عمله
نمونه در متن: چشم هایش به بنا و عمله‌ها خیره شده بود. (ص ۲۴)					
□□□□ □□□□	قربابت □ غرابت □	قرب، قُرب	خویشی، خویشاوندی	قربابت
نمونه در متن: همه کس را حق شناس باش؛ خاصه قربابت خویش را. (ص ۱۸)					
□□□□ □□□□	محال □ مهال □	-	بی اصل، ناممکن، اندیشه‌ی باطل	محال
نمونه در متن: بکوش که به هر محالی، از حال و نهاد خویش بنگردی. (ص ۱۸)					
□□□□ □□□□	مستغنی □ مستغنی □	غنی، استغنا	بی نیاز	مستغنی
نمونه در متن: هر که داد از خویشش بدهد، از داور مستغنی باشد. (ص ۱۸)					
□□□□ □□□□	-	ولع	بسیار مشتاق، آزمند	مولع
نمونه در متن: پیران قبیله‌ی خویش را حرمت دار، ولیکن به ایشان مولع مباش. (ص ۱۸)					
□□□□ □□□□	-	نمایان، نمایش	نشان داده، ارائه کرده، آشکار کرده	نموده
نمونه در متن: و چون نمودی به خلاف نموده مباش. (ص ۱۸)					
واژه‌های داخل متن					
تکرار برای ماندگاری	تمرین نوشتاری	تمرین انتخابی	هم خانواده	مترادف	واژه
□□□□ □□□□	-	-	دگرگون شد	گشتن
نمونه در متن: بدان کوش که به هر محالی، از حال و نهاد خویش بنگردی. (ص ۱۸)					
□□□□ □□□□	-	رستگار	رهیدن، رها شدن، نجات یافتن	رستن
نمونه در متن: از آموختن، ننگ مدار تا از ننگ رسته باشی. (ص ۱۸)					
□□□□ □□□□	-	-	حق و انصاف، عدل، فریاد و افغان، مخفف «دادن» یا فعل از مصدر دادن	داد
نمونه در متن: اندر همه کاری داد از خویشش بده. (ص ۱۸)					
□□□□ □□□□	-	-	حق مطلب را ادا کردن	داد چیزی را داد
نمونه در متن: اندر همه کاری داد از خویشش بده. (ص ۱۸)					

□□□□ □□□□	-	-	پیش خود حساب بردن، کلاه خود را قاضی کردن، به داوری خود پرداختن	داد از خویش داد
هر که داد از خویشتن بدهد، از داور مستغنی باشد.					نمونه در متن
حفت‌های املائی					
تکرار برای ماندگاری	تمرین نوشتاری	تمرین انتخابی	هم‌خانواده	مترادف	واژه
□□□□ □□□□	رثا □ رسا □	مرثیه	سوگ، گریستن بر مرده، نوحه	رثا
تاریخ سرایش رثای حسینی از حادثه‌ی کربلا آغاز گشت.					نمونه در متن
□□□□ □□□□	هِلال □ حلال □	-	ماه نو، نیم‌دایره	هِلال
او را به چشم پاک توان دید چون هلال هر دیده‌ی جای جلوه‌ی آن ماه‌پاره نیست					نمونه در متن
□□□□ □□□□	قرابت □ غرابت □	قُرب، قریب، تقرب	خویشی و خویشاوندی، نزدیکی	قرابت
همه‌کس را به سزا، حق‌شناس باش؛ خاصه قرابت خویش را.					نمونه در متن
□□□□ □□□□	قرابت □ غرابت □	غریب، غرایب	شگفت‌آوری، تعجب‌انگیزی، دوری	غرابت
یارب نغند ولوله‌ی وای غرابت ای کاخ همایون که در اقلیم عقابی					نمونه در متن

گنج حکمت: دیوار عدل		درس سوم: پاسداری از حقیقت			
تکرار برای ماندگاری	تمرین نوشتاری	تمرین انتخابی	هم خانواده	متادف	واژه
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> طالب <input type="checkbox"/> تالاب	-	آبگیر، برکه	تالاب
نمونه در متن: بر تالابی از خون خویش در گذرگه تاریخ ایستاده‌ای (ص ۳۳)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	تنومند، فربه، قوی جثه	تناور
نمونه در متن: چندان تناوری و بلند / که به هنگام تماشا / کلاه از سر کودک عقل می‌افتد. (ص ۳۳)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> حذیظ <input type="checkbox"/> حذیظ <input type="checkbox"/> حزیض <input type="checkbox"/> حزیض	-	جای پست در زمین یا پایین کوه	حزیض
نمونه در متن: در حزیض هم می‌توان عزیز بود. (ص ۳۱)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	ارتفاع، مرتفع	بلند، مرتفع	رفیع
نمونه در متن: هیچ کودالی چنین رفیع ندیده بودم. (ص ۳۱)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> سخره <input type="checkbox"/> سخره	مسخره، تمسخر	مسخره کردن، ریشخند	سخره
نمونه در متن: مرگت چنان زندگی را به سخره گرفت / و آن را بی‌قدر کرد / که مُردنی چنان / غطه‌ی بزرگ زندگانی شد. (ص ۳۲)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	شرافت، شریف	آبرو، بزرگواری	شرف
نمونه در متن: خون تو شرف را سرخگون کرده است. (ص ۳۱)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> ضامن <input type="checkbox"/> ضامن	تضمین، ضمانت	ضمانت‌کننده، کفیل، به‌عهده گیرنده‌ی غرامت	ضامن
نمونه در متن: و عزمت، ضامن دوام جهان شد. (ص ۳۳)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> عامل <input type="checkbox"/> امل	عوامل، عمل	حاکم، والی	عامل
نمونه در متن: عامل شهری به خلیفه نشست که دیوار شهر خراب شده است. (ص ۳۴)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> عزم <input type="checkbox"/> عزم	عازم، عزیمت	قصد، اراده	عزم
نمونه در متن: عزمت، ضامن دوام جهان شد. (ص ۳۳)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> عمارت <input type="checkbox"/> عمارت	تعمیر	بنا کردن، آباد کردن، آبادانی	عمارت کردن
نمونه در متن: دیوار شهر، خراب شده است، آن را عمارت باید کردن. (ص ۳۴)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> غبطه <input type="checkbox"/> غبطه	-	رَشک بردن، حال و روز کسی را آرزو داشتن، بی‌آنکه خواهان زوال آن باشیم.	غبطه
نمونه در متن: مُردنی چنان غبطه‌ی بزرگ زندگانی شد. (ص ۳۲)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> فلق <input type="checkbox"/> فلق	-	سپیده‌ی صبح، فجر	فلق
نمونه در متن: فلق، صحرایی که تو در آن نماز صبح شهادت گزارده‌ای. (ص ۳۱)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	نجیب	اصالت، پاک منشی، بزرگواری	نجابت
نمونه در متن: شفق، آینه‌دار نجابت. (ص ۳۱)					

جفت‌های املائی

جفت‌های املائی					
تکرار برای ماندگاری	تمرین نوشتاری	تمرین انتخابی	هم‌خانواده	مترادف	واژه
□□□□ □□□□	-	نعمت، مُنعم	نیکی کردن، بخشیدن	انعام
ما را به انعام و اکرام به راه دریا گسیل کرد.					نمونه در متن
□□□□ □□□□	-	-	چهارپایان	انعام
هر دمش با من دلسوخته لطفی دگرست این گدا بین که چه شایسته‌ی انعام افتاد					نمونه در متن
□□□□ □□□□	-	غروب	جای فرو شدن آفتاب، باختر، غرب	مغرب
گویا طلوع می‌کند از مغرب، آفتاب کاشوب در تمامی ذرات عالم است					نمونه در متن
□□□□ □□□□	<input type="checkbox"/> مَقْرَب <input type="checkbox"/> مَغْرَب	قریب، قرابت	نزدیک‌شده	مقرب
شاد آن دلِ روشنی که بیند دل را که چه سان مُقْرَب آمد					نمونه در متن
□□□□ □□□□	<input type="checkbox"/> قَرْض <input type="checkbox"/> غَرْض	مقروض	وام، بدهی، دین	قرض
خدای، تبارک و تعالی، همه‌ی بندگان خود را از عذاب قرض و دین فرج دهد.					نمونه در متن (ص ۳۲)
□□□□ □□□□	<input type="checkbox"/> قَرْض <input type="checkbox"/> غَرْض	اغراض	هدف، مقصود، آرزو	غرض
غرض من دو چیز بود.					نمونه در متن (ص ۳۱)
□□□□ □□□□	<input type="checkbox"/> فِرَاق <input type="checkbox"/> فَرَاغ	فراغت، فراغ	فارغ شدن، آسوده شدن، آسودگی	فراغ
چنان‌که در کرامت و فراغ به پارس رسیدیم.					نمونه در متن (ص ۳۲)
□□□□ □□□□	<input type="checkbox"/> فِرَاق <input type="checkbox"/> فَرَاغ	فِرَاق	جدا شدن، دور شدن	فِراق
زبان خامه ندارد سر بیان فِراق وگرنه شرح دهم با تو داستان فِراق					نمونه در متن
درس چهارم: درس آزاد (ادبیات بومی)					
تکرار برای ماندگاری	تمرین نوشتاری	تمرین انتخابی	هم‌خانواده	مترادف	واژه
□□□□ □□□□	-	-	-	-
					نمونه در متن

تکرار برای ماندگاری		تمرین نوشتاری	تمرین انتخابی	هم‌خانواده	مترادف	واژه
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	آیات، آیه	نشانه	آیت	نمونه در متن
علی ای‌های رحمت تو چه آیتی خدا را که به ماسوا فکندی همه سایه‌ی هما را (ص ۴۲)						
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> خزلان <input type="checkbox"/> خزلان <input type="checkbox"/> خزلان	-	خواری، پستی، مذلت	خزلان	نمونه در متن
ما بارگه دادیم، این رفت ستم بر ما بر قصر ستمکاران، گویی چه رسد خزلان (ص ۳۹)						
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	دولت‌سرا، آشیانه‌ی خوشبختی	دولت آشیان	نمونه در متن
وین بوم محنت از پی آن تا کند خراب بر دولت آشیان شما نیز بگذرد (ص ۳۹)						
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	رحیم، رحمان	مهربانی، بخشش	رحمت	نمونه در متن
علی ای‌های رحمت تو چه آیتی خدا را که به ماسوا فکندی همه سایه‌ی هما را (ص ۴۲)						
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> طالع <input type="checkbox"/> طالع	طلوع، طلعت	سرنوشت، بخت	طالع	نمونه در متن
ای مفتخر به طالع مسعود خویشین تأثیر اختران شما نیز بگذرد (ص ۳۹)						
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> الم کردن <input type="checkbox"/> علم کردن	اعلام	مشهور کردن، سرشناس کردن	علم کردن	نمونه در متن
به جز از علی که آرد پسری ابوالعجاب که علم کند به عالم شهدای کربلا را (ص ۴۲)						
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	مخفف ماسوی الله؛ آنچه غیر از خداست	ماسوا	نمونه در متن
علی ای‌های رحمت تو چه آیتی خدا را که به ماسوا فکندی همه سایه‌ی هما را (ص ۴۲)						
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> محنت <input type="checkbox"/> مهنّت	مِخَن	اندوه، غم	محنت	نمونه در متن
وین بوم محنت از پی آن تا کند خراب بر دولت آشیان شما نیز بگذرد (ص ۳۹)						
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	افتخار، فخر	سربلند، صاحب افتخار	مفتخر	نمونه در متن
ای مفتخر به طالع مسعود خویشین تأثیر اختران شما نیز بگذرد (ص ۳۹)						
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	پرنده‌ای از راسته‌ی شکاریان، در زبان پهلوی به معنی فرخنده است و به همین دلیل، نماد سعادت به‌شمار می‌آید.	هما	نمونه در متن
علی ای‌های رحمت تو چه آیتی خدا را که به ماسوا فکندی همه سایه‌ی هما را (ص ۴۲)						
جفت‌های املائی						
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> طبع <input type="checkbox"/> تبع	طبیعت، مطبوع، طبایع	ذات، سرشت	طبع	نمونه در متن
این گرگی شبان شما نیز بگذرد ای تو رمه سپرده به چویان گرگ طبع (ص ۳۹)						
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> تبع <input type="checkbox"/> تبع	متابعت، تبعیت، تبعه، متبوع	پیروی، پیروان	تبع	نمونه در متن
خود را تبع گردش پرگار مدارید چون اول خط نقطه بُد و آخر نقطه (ص ۳۹)						

گنج حکمت: حقه‌ی راز		درس ششم: مهر و وفا			
واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
حدیث	ماجرا، روایت، سخن	محدث	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	حدیث دوست نگویم مگر به حضرت دوست که آشنا سخن آشنا نکه دارد (ص ۴۷)				
حَقّه	محفظه‌ی کوچکی که برای نگهداری اشیای گران‌بها به کار می‌رود، جعبه، صندوق	-	هَقّه <input type="checkbox"/> حَقّه <input type="checkbox"/> حَقّه <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	آن روز موشی بگرفتند و در حقه کردند. (ص ۵۰)				
سودا	اندیشه، هوس، عشق	-	سودا <input type="checkbox"/> سودا <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	سودای آتش بگرفت که آیا در این حقه، چه سر است؟ (ص ۵۰)				
صبا	بادی که از طرف شمال شرقی وزد؛ باد بهاری	-	صبا <input type="checkbox"/> صبا <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	صبا بر آن سر زلف از دل مرا بینی ز روی لطف بگویش که جا نکه دارد (ص ۴۷)				
معاش	زندگی، زیست، زندگانی کردن	معیشت، عیش	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	دلا معاش چنان کن که گر بلغزد پای فرشته‌ات به دو دست دعا نکه دارد (ص ۴۷)				
واژه‌های داخل متن					
واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
زینهار	مبادا، دور باش، امان و پناه	-	زینهار <input type="checkbox"/> زینهار <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	گفت: «زینهار، تا سر این حقه باز نکنی.» (ص ۵۰)				
جفت‌های املاپی					
واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
هوا	جو، فضا، میل، آرزو	-	هوا <input type="checkbox"/> هوا <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	گرت هواست که معشوق نگسلد پیمان نگاه دار سر رشته تا نکه دارد (ص ۴۷)				
حوا	زن گندمگون، همسر حضرت آدم	-	حوا <input type="checkbox"/> حوا <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	از خُستان جرعه‌ای بر خاک ریخت جنبشی در آدم و حوا فکند				

شعرخوانی: بوی گل و ریحان‌ها		درس هفتم: جمال و کمال			
تکرار برای ماندگاری	تمرین نوشتاری	تمرین انتخابی	هم‌خانواده	مترادف	واژه
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	جبر، جابر	مسلط	جبار
(ص ۵۲)					نمونه در متن
خبر دهنده از او، مَلِک جبار بود.					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	جافی	بی‌وفایی، ستم	جفا
(ص ۵۲)					نمونه در متن
هم راحت بود، هم آفت؛ هم وفا بود، هم جفا.					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	رایحه	هر گیاه سبز و خوشبو	ریحان
(ص ۵۵)					نمونه در متن
وقتی دل سودایی می‌رفت به بستان‌ها بی‌خویشتم کردی، بوی گل و ریحان‌ها					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	عاشق، شیفته، شیدا	سودایی
(ص ۵۵)					نمونه در متن
وقتی دل سودایی می‌رفت به بستان‌ها بی‌خویشتم کردی، بوی گل و ریحان‌ها					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> صدیق <input type="checkbox"/> صدیق	صادق، صداقت	بسیار راستگو	صدیق
(ص ۵۲)					نمونه در متن
گفته‌اند «نیکوترین» از بهر آن بود که یوسف صدیق، وفادار بود.					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	مطرب	شادی	طرب
(ص ۵۲)					نمونه در متن
پس چون در او این چندین اندوه و طرب بود، در نهاد خود شگفت و عجب بود.					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	عدو	دشمنی	عداوت
(ص ۵۲)					نمونه در متن
آهنگ کید و مکر و عداوت کردند تا مگر او را هلاک کنند.					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> غنا <input type="checkbox"/> قنا	-	سرود، نغمه، آوازخوانی، دستگاه موسیقی	غنا
(ص ۴۴)					نمونه در متن
در ادبیات فارسی، موضوع‌های غنایی با مفاهیمی همچون: عشق، عرفان، مرثیه، مناجات و گلابه و شکایت همراه است.					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> فرقت <input type="checkbox"/> فرغت	فراق	جدایی، دوری	فُرقت
(ص ۵۲)					نمونه در متن
هم فُرقت بود و هم وُصلت.					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	کید	جمع کاید، حيله‌گران	کایدان
(ص ۵۲)					نمونه در متن
تا عالمیان بدانند که هرگز کید کایدان با خواست خداوند غیب‌دان برابر نیاید.					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	اندک‌بینی، عاقبت‌اندیش نبودن	کونه‌نظری
(ص ۵۵)					نمونه در متن
تا خار غم عشقت آویخته در دامن کونه‌نظری باشد، رفتن به گلستان‌ها					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	کاید	حيله و فریب	کید
(ص ۵۲)					نمونه در متن
آهنگ کید و مکر و عداوت کردند.					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> لئیمی <input type="checkbox"/> لئیمی	-	پستی، فرومایگی	لئیمی
(ص ۵۲)					نمونه در متن
در مقابله‌ی زشتی، آشتی کرد و در مقابله‌ی لئیمی کریمی کرد.					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> محنت <input type="checkbox"/> محنت	محن	اندوه، ناراحتی	مِحنت
(ص ۵۲)					نمونه در متن
هم محنت بود هم شادی؛ هم راحت بود، هم آفت.					

ملک تعالی	خداوند والا مرتبه	-	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	ملک تعالی او را دولت بر دولت زیادت کرد.	نقض	شکستن، شکستن عهد و پیمان	ناقص، منقضى	<input type="checkbox"/> نقض <input type="checkbox"/> نقض <input type="checkbox"/> نغز
نمونه در متن	تا عهد تو در بستم عهد همه بشکستم	بعد از تو روا باشد نقض همه پیمان‌ها	پیوند، پیوستگی	وصال، وصل	<input type="checkbox"/> وصلت <input type="checkbox"/> وصلت
نمونه در متن	هم فرقت بود و هم وصلت.				<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>

واژه‌های داخل متن

واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
گاه	تخت پادشاهی، سریر، اریکه، اورنگ	-	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	از خوی نیکوش تخت و گاه آمد.				<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
سیرت	روش، خلق‌و‌خو	سیره	سیرت <input type="checkbox"/> سیرت <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	باری، بتوانی که سیرت خود را چون سیرت او گردانی.				<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
سودایی	سودازده، شیدا و شیفته، دیوانه	-	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	وقتی دل سودایی می‌رفت به بستان	ها	بی‌خویشتم کردی، بوی گل و ریحان‌ها		<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
جامه دریدن	کنایه از بی‌تاب شدن و ناشکیبایی کردن؛ در مورد گل، کنایه از شکفتن	-	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	گه نعره زدی بلبل، گه جامه دریدی گل	با یاد تو افتادم از یاد برفت آنها			<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>

جفت‌های املائی

واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
نغز	خوب، نیکو، بدیع	-	نغز <input type="checkbox"/> نغز <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	از این خطه‌ی نغز بدرام پاک	وزین خاک جان پرور تابناک			<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نقض	شکستن عهد و پیمان	ناقص، متناقض، نقیضه	نقض <input type="checkbox"/> نقض <input type="checkbox"/> نغز <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	تا عهد تو در بستم عهد همه بشکستم	بعد از تو روا باشد نقض همه پیمان‌ها			<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
حیات	زنده بودن، زندگانی	حیوان	حیات <input type="checkbox"/> حیات <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	در آب، حیات تن‌ها بود و در قرآن حیات دل‌ها بود.				<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
حیاط	صحن خانه، زمین برابر ساختمان که دور آن دیوار باشد	محوطه، حیظه	حیات <input type="checkbox"/> حیاط <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	شب‌ها توی حیاط فرش می‌انداختند.				<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
بهر	برای، جهت، بهره، نصیب	بهره	بهر <input type="checkbox"/> بهره <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	سرانجام بستر جز از خاک نیست	ازو بهره زهرست و تریاک نیست			<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
بحر	دریا، وزن شعر	تبحر، متبحر	بهر <input type="checkbox"/> بحر <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>

نمونه در متن		دید یکی بحر خروشنده‌ای		سهمگنی، نادره جوشنده‌ای	
عهد	پیمان، میثاق، روزگار	معهود، معاهده	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن		تا عهد تو در بستم، عهد همه بشکستم		بعد از تو روا باشد، نقض همه پیمان‌ها	
أحد	یک، یگانه، یکتا (أحد: یکی از جنگ‌های زمان پیامبر)	واحد، وحدت	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن		مرگ ما هست عروسی ابد		سر آن چیست هو الله أحد	
حرم	گرداگرد خانه، اندرون خانه، گرداگرد کعبه و اماکن مقدس، جای اهل و عیال مرد	حریم، حرمت	<input type="checkbox"/> حرم <input type="checkbox"/> هرَم	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن		گر در طلبت رنجی ما را برسد شاید		چون عشق حرم باشد، سهل است بیابان‌ها	
هرَم	جسمی مخروطی شکل با جوه مثلثی (هرَم: گرمی آتش)	اهرام	<input type="checkbox"/> حرم <input type="checkbox"/> هرَم	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن		تو، آن بلندترین هریمی		که فرعون تخیل می‌تواند ساخت	

واژه		مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
ادیب	سخن‌دان، سخن‌شناس	ادب، آداب	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	(ص ۵۹)
نمونه در متن: مردی اهل و ادیب و فاضل و نیکومنظر.						
اهلیت	شایستگی، لیاقت	اهل، اهلی	اهلیت <input type="checkbox"/> احلیت <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	(ص ۵۹)
نمونه در متن: قیاس کند که مرا اهلیت چیست.						
بهایم	جمع بهیمه، چارپایان	بهیمه	بهایم <input type="checkbox"/> بهایم <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	(ص ۶۳)
نمونه در متن: کبکان از کوه و غوکان در آب و بهایم از بیشه.						
بیشه	جنگل کوچک، نیزار	-	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	(ص ۶۳)
نمونه در متن: و سحر در کنار بیشه‌ای خفته.						
تسبیح	خدا را به پاکی یاد کردن، سبحان‌الله گفتن	سبحان	تسبیح <input type="checkbox"/> تسبیح <input type="checkbox"/> تصبیح <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	(ص ۶۳)
نمونه در متن: گفتم این شرط آدمیت نیست مرغ تسبیح گوی و من خاموش						
پلاس	نوعی گلیم کم‌بها، جامه‌ای پشمینه و ستبر که درویشان پوشند.	-	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	(ص ۵۹)
نمونه در متن: پلاس پاره‌ای در پشت بسته از سرما.						
تازی	عرب؛ زبان تازی؛ زبان عربی	-	تازی <input type="checkbox"/> تازی <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	(ص ۶۰)
نمونه در متن: من به زبان تازی گفتم که: «راست می‌گویی، ما آنانیم که پلاس پاره‌ها بر پشت بسته بودیم.»						
جَلِّ جَلَالَهُ وَ عَمِّ نَوَالَهُ	شکوه او بزرگ و لطف او فراگیر است.	-	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	(ص ۵۹)
نمونه در متن: و از فضل و رحمت کردگار، جَلِّ جَلَالَهُ وَ عَمِّ نَوَالَهُ، ناامید نباید شد.						
خورجینک	خورجین کوچک، کیسه‌ای که معمولاً از پشم درست می‌کنند و شامل دو جیب است.	-	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	(ص ۵۹)
نمونه در متن: خورجینکی بود که کتاب در آن می‌نهادم بفروختم.						
در حال	فوراً، بی‌درنگ	حالا، احوال	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	(ص ۵۹)
نمونه در متن: در حال، سی دینار فرستاد که این را به بهای تن جامه بدهید.						
دَلَاک	کیسه‌کش حمام، مشت و مال دهنده	-	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	(ص ۶۰)
نمونه در متن: چندان که ما در حمام شدیم، دَلَاک و قِیم درآمند و خدمت کردند.						
دین	وام	دیون، مدیون	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	(ص ۶۰)
نمونه در متن: خدای، تبارک و تعالی، همه‌ی بندگان خود را از عذاب قرض و دین فرج دهاد.						
رُقعه	نامه‌ی کوتاه، یادداشت	-	رغعه <input type="checkbox"/> رقععه <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	(ص ۵۹)
نمونه در متن: رُقعه‌ای نوشتم و عذری خواستم.						
شوخ	چرک، آلودگی	-	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	(ص ۵۹)

(ص ۵۹)	باشد که ما را دمکی ریادت تر در گرمابه بگذارد که شوخ از خود باز کنیم.				نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	شورش	کسی که ظاهری آشفته دارد، عاشق و عارف	شوریده
(ص ۶۳)	شوریده‌ای که در آن سفر همراه ما بود، نعره‌ای برآورد.				نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> فوک <input type="checkbox"/> غوک	-	قورباغه	غوک
(ص ۶۳)	بلبلان را دیدم که به نالشان در آمده بودند از درخت و کبکان از کوه و غوکان در آب.				نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> فراغ <input type="checkbox"/> فراق	فراغت، فارغ	آسایش و آرامش، آسودگی	فراغ
(ص ۶۴)	چنان که در کرامت و فراغ به پارس رسیدیم.				نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> قیاس <input type="checkbox"/> غیاس <input type="checkbox"/> قیاص	مقایسه	حدس و تخمین زدن، برآورد کردن	قیاس کردن
(ص ۵۹)	تا چون بر رقعهای من اطلاع یابد، قیاس کند که مرا اهلیت چیست.				نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> قییم <input type="checkbox"/> غییم	-	سرپرست	قییم
(ص ۶۴)	چندان که ما در حمام شدیم، و دلاک و قییم درآمدند.				نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	کرایه	کرای
(ص ۶۴)	و آنچه، آن اعرابی کرای شتر بر ما داشت، هم این وزیر بفرمود تا بدو دادند.				نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> گسیل <input type="checkbox"/> گُصیل		روانه کردن، فرستادن کسی به جایی	گسیل کردن
(ص ۵۹)	ما را به انعام و اکرام به راه دریا گسیل کرد.				نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	ترمیم	اصلاح و رسیدگی	مرمت
(ص ۶۳)	وسعتی نداشت که حال مرا مرمتی کند.				نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	جوانمردی، مردانگی	مروت
(ص ۶۳)	اندیشه کردم که مروت نباشد همه در تسبیح و من به غفلت خفته.				نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> مقربی <input type="checkbox"/> مغربی	غرب، غروب	مربوط به مغرب، امروزه مراکش، کشوری در شمال غربی قاره‌ی آفریقا.	مغربی
(ص ۵۹)	مکاری از ما سی دینار مغربی می‌خواست.				نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	کرای، کرایه	کرایه‌دهنده‌ی اسب، الاغ و مانند آنها؛ چاروادار	مکاری
(ص ۵۹)	مکاری از ما سی دینار مغربی می‌خواست.				نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> منظر <input type="checkbox"/> منظر	منظره، ناظر	زیبارو، خوش چهره	نیکومنظر
(ص ۵۹)	مردی اهل و ادیب و فاضل و نیکومنظر و متواضع دیدم.				نمونه در متن
واژه‌های داخل متن					
تکرار برای ماندگاری	تمرین نوشتاری	تمرین انتخابی	هم‌خانواده	مترادف	واژه
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	کفایت	کافی	بسنده
نمونه در متن					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	مانا، مانند	شبيه	ماننده

نمونه در متن	از برهنگی و عاجزی به دیوانگان مانده بودیم.	(ص ۳۱)
گذاشتن	اجازه دادن، رها کردن	-
گذاشتن	گذاشتن	گذاشتن
نمونه در متن	نگذاشت که ما به گرمابه در رویم.	(ص ۳۱)
باشد که	به این امید که، شاید که	-
نمونه در متن	می‌خواستیم که در گرمابه روم، باشد که گرم شوم.	(ص ۳۱)
باز	سوی؛ باز شدن: به کناری رفتن	-
نمونه در متن	ما به گوشه‌ای باز شدیم.	(ص ۳۱)
اهل	شایسته و سزاوار	اهلیت
اهل	اهل	اهل
نمونه در متن	مردی اهل بود و فضل داشت از شعر و ادب.	(ص ۳۱)
صحبت	هم‌نشینی، همدمی و دوستی، گفت‌وگو کردن	مصاحبت
نمونه در متن	او را با وزیر، صحبتی بودی.	(ص ۳۱)
در حال	در زمان، فوراً، بی‌درنگ	حالا
نمونه در متن	در حال، سی دینار فرستاد.	(ص ۳۱)
شدت	سختی، تنگ‌دستی	شداید (سختی‌ها)
نمونه در متن	تا مردم بدانند که به شدتی که از روزگار پیش آید، نباید نالید.	(ص ۳۲)

روان خوانی: پیرمرد چشم ما بود		درس نهم: کلاس نقاشی			
تکرار برای ماندگاری	تمرین نوشتاری	تمرین انتخابی	هم خانواده	مترادف	واژه
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> اصلیمی <input type="checkbox"/> اسلیمی	اسلامی	تغییر شکل یافته‌ی کلمه‌ی اسلامی، طرح‌هایی مرکب از پیچ و خم‌های متعدد	اسلیمی
در پیچ و تاب عرفانی اسلیمی، آدم چه کاره بود؟! (ص ۶۱)					نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	چنبره‌ی گردن، قوس زیر گردن	آخره
فک زیرین را پیمود و در آخره ماند؛ پس بالا رفت. (ص ۶۵)					نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> بهران <input type="checkbox"/> بحران	-	آشفستگی، وضع غیرعادی	بحران
هر چه می‌گفتیم بحران بلوغ است و سخت نگیرد، فایده نداشت. (ص ۶۸)					نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	در میان قرار گرفتن	بُر خورده
جوانکی بودم و توی جماعت، بُر خورده بودم. (ص ۶۸)					نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	خوار و بار از قبیل نخود و لوبیا و عدس	بُشن
از قند و جای گرفته تا تره‌بار و بُشن و دوا و درمان، همه را فراهم می‌کردند. (ص ۷۰)					نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	طرح اولیه	بیرنگ
اما در بیرنگ اسب حرفی به کارش بود. (ص ۶۴)					نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> بیغوله <input type="checkbox"/> بیقوله	-	کُنج، گوشه‌ای دور از مردم	بیغوله
در چنان بیغوله‌ای آشنایی غنیمی بود. (ص ۶۸)					نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> تسلّا <input type="checkbox"/> تسلّا	تسلّی	آرامش یافتن	تسلّا
در این سفرهای هر ساله به جست‌وجوی تسلّایی می‌رفت. (ص ۷۰)					نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> حقارت <input type="checkbox"/> حقارت <input type="checkbox"/> حقارت	حقیر، محقر	خواری، پستی	حقارت
دست آخر با حقارت زندگی‌ها مان آخت شد. (ص ۷۰)					نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> خطابه <input type="checkbox"/> خطابه	خطیب، خطاب	سخنرانی، خطبه خواندن، وعظ کردن	خطابه
برق خاموش شد و روی میز خطابه شمعی نهادند. (ص ۶۸)					نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	جانشین راستین	خَلَفِ صدق
خَلَفِ صدق نیاکان هنرور خود بود. (ص ۶۴)					نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	گروه، دسته	خیل
عالیه خانم می‌دید که پیرمرد چه بناگاه‌هایی شده است. برای خیل جوانان. (ص ۷۰)					نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	خوش قد و قامت، زیبا	رعنا
گورن را رعنا رقم می‌زد. (ص ۶۴)					نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	رند، رنود	زیرکانه	رندانه

نمونه در متن	گریزی رندانه زد که به سود اسب انجامید.	(ص ۶۵)
شندر غاز	پولی اندک و ناچیز - شندر فاز <input type="checkbox"/> شندر غاز <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	پیرمرد شندرغازی از وزات فرهنگ می گرفت.	(ص ۷۰)
طمأنینه	آرامش و قرار اطمینان، مطمئن طمعینه <input type="checkbox"/> طمأنینه <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	اما در واقع طمأنینه‌ای بود که در چشم بی‌نور یک مجسمه‌ی دوره‌ی فراعنه هست.	(ص ۷۰)
عیال	زن و فرزندان، زن - آیال <input type="checkbox"/> عیال <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	گاهی هم سراغ همدیگر می رفتیم؛ تنها یا با اهل و عیال.	(ص ۶۸)
غارِب	میان دو کتف - قارب <input type="checkbox"/> غارب <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	از بیال و غارب به زیر آمد؛ از پستی پشت گذشت.	(ص ۶۵)
فراعنه	جمع فرعون، پادشاهان قدیم مصر فرعون -	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	اما در واقع طمأنینه‌ای بود که در چشم بی‌نور یک مجسمه‌ی دوره‌ی فراعنه هست.	(ص ۷۰)
کَلَه	برآمدگی پشت پای اسب -	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	دو دست را تا فراز کله نمایان ساخت.	(ص ۶۵)
کنگره	واژه‌ای فرانسوی به معنای مجمعی از دانشمندان و یا سیاستمداران که درباره‌ی مسائل علمی یا سیاسی بحث کنند. -	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	بار اول که پیرمرد را دیدم در کنگره‌ی نویسندگانی بود که در خانه‌ی فرهنگ شوروی در تهران علم کرده بود.	(ص ۶۸)
گرتنه برداری	نسخه برداری از روی یک تصویر یا طرح -	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	سگ را روان گرتنه می ریخت.	(ص ۶۴)
گُردِه	پشت، بالای کمر -	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	از پشتی پشت گذشت؛ گُردِه را بر آورد؛ دم را آویخت.	(ص ۶۵)
مَخْمَصِه	گرفتاری، سختی، دشواری -	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	معلّم که از مخمصه رسته بود، به خونسردی گفت: «در علف است؛ حیوان باید بچرد.»	(ص ۶۵)
مُرْقَه	راحت و آسوده رفاه مرقح <input type="checkbox"/> مرقه <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	زندگی مرقهی نداشتند.	(ص ۷۰)
مشوش	آشفته و پریشان تشویش -	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	معلّم مشوش بود.	(ص ۶۴)
معاشرت	ارتباط، دوستی، رفت‌وآمد داشتن با کسی -	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	تا خانه‌ی ما ساخته شد و معاشرت همسایگانه پیش آمد.	(ص ۶۸)
میراب	مسئول تقسیم آب جاری در خانه‌ها و مزارع و باغ‌ها -	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>

نمونه در متن		اول گمان کردم میراب است.		
وَالصَّافَاتِ صَفَا	سوگند به فرشتگان صف در صف	-	وَالصَّافَاتِ صَفَا	وَالصَّافَاتِ صَفَا
نمونه در متن		لای قرآن را باز کردم؛ آمد: وَالصَّافَاتِ صَفَا		
وَقَب	هر فرورفتگی اندام چون گودی چشم	-	وَقَب	وَعَب
نمونه در متن		دست معلم از وقب حیوان روان شد.		
وقفی	منسوب به وقف	اوقاف، موقوفه	وقفی	وغفی
نمونه در متن		همان نزدیکی‌های خانه‌ی آن‌ها تگه زمینی وقفی از وزرات فرهنگ گرفته بودیم.		
واژه‌های داخل متن				
واژه	مترادف	هم خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری
تکرار برای ماندگاری				
صور تک	نقاب	صورت	-	
نمونه در متن		معلوم دور نبود، صورتک به رو نداشت.		
بستن	نگاشتن، نقش کردن	بسته	-	
نمونه در متن		خرگوش را چابک می بست.		
راه دست بودن کاری	مهارت و چیرگی داشتن در کاری	-	-	
نمونه در متن		پی بردیم راه دست خودش هم نیست.		
صورتگری	نقاشی	صورت	-	
نمونه در متن		هرجا به کار صورتگری درمی ماند، چاره‌ی درماندگی به شیوه‌ی معلوم خود می کند.		
اصلاً	به‌طور اصولی و کلی	اصول	-	
نمونه در متن		سرو احتراق دارد، مه هم محاق دارد جز اصل اصل جان‌ها، اصلی ندارد اصلاً		
أخت	همدم و همراه، مانوس و مأوف، خو گرفته	-	-	
نمونه در متن		تا دست آخر با حقارت زندگی‌ها مان أخت شد.		
شست	قلاب، تور ماهیگیری، انگشت شست، انگشتانه ماندنی که در انگشت شست می کردند برای محکم تر گرفتن تیر	-	شست	شست
نمونه در متن		گمان را بمالید رستم به چنگ به شکست اندر آورده، تیر خدنگ		
کلفت	رنج و سختی، مجازاً به نوکر می گفتند به‌ویژه زنان خدمتکار	تکلف، متکلف	-	
نمونه در متن		من و کلفت خانه کمک کردیم و تن او را از زیر کرسی در آوردیم.		
بوم	جغد، سرزمین، پرده‌ی نقاشی	-	-	
نمونه در متن		وین بوم محنت از پی آن تا کند خراب بر دولت آشیان شما نیز بگذرد		
مشرقیین	خاور و باختر، مشرق و مغرب جهان	شرق	-	
نمونه در متن		خورشید آسمان و زمین، نور مشرقین پرورده‌ی کنار رسول خدا حسین		

حفت‌های املائی

تکرار برای ماندگاری	تمرین نوشتاری	تمرین انتخابی	هم‌خانواده	مترادف	واژه	
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	شصت <input type="checkbox"/> شست <input type="checkbox"/>	-	انگشت بزرگ و پهن دست یا پا، انگشتانه‌ی مخصوص تیراندازی	شست	
کمان را بمالید رستم به چنگ به شست اندر آورده تیر خدنگ						
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	شست <input type="checkbox"/> شصت <input type="checkbox"/>	-	عدد ۶۰	شصت	
رگت بر تن است ای پسندیده خوی زمینی در او سیصد و شصت جوی						
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	بَقَل <input type="checkbox"/> بَعَل <input type="checkbox"/>	-	پهلوی، کنار، جانب، طرف	بغل	
به در خست از آشوب دزد دغل دوان، جامه‌ی پارسا در بغل						
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	بَقَل <input type="checkbox"/> بَعَل <input type="checkbox"/>	بقولات	سبزی، تره، جمع بقول و بقولات	بقل	
گلشنی کز بقل روید یک دمست گلشنی کز عقل روید خرّمست						
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	قارب <input type="checkbox"/> غارب <input type="checkbox"/>	-	میان دو کتف، شانه، دوش	غارب	
از بال و غارب به زیر آمد.						
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	قارب <input type="checkbox"/> غارب <input type="checkbox"/>	قرابت	نزدیک‌شونده	قارب	
چون ما و شما مقارب بکد گریم به زان نبود که پرده‌ی هم ندريم						
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	قربت <input type="checkbox"/> غربت <input type="checkbox"/>	غرب، غریب، غرابت، مغرب	دوری از وطن، دور شدن	غربت	
غم غریبی و غربت چو بر نمی‌تابم به شهر خود روم و شهریار خود باشم						
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	قربت <input type="checkbox"/> غربت <input type="checkbox"/>	قرب، قریب، قرابت، مقرب	خویشی و خویشاوندی، نزدیکی	قربت	
تو ز خاک سر بر آور که درخت سربلندی تو پیر به قاف قربت که شریف‌تر همایی						
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	عَلَم <input type="checkbox"/> اَلَم <input type="checkbox"/>	اعلام	رایت، پرچم، بیرق، نشان	عَلَم	
چو سرو از راستی برزد عَلم را ندید اندر جهان تاراج عَم را						
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	عَلَم <input type="checkbox"/> اَلَم <input type="checkbox"/>	آلام، الیم	درد، رنج	اَلَم	
کس بر الم ریشت واقف نشود سعدی الا به کسی گوئی کاو را المی باشد (سعدی)						

گنج حکمت: یک گام فراتر		درس دهم: دریادلان صف شکن			
تکرار برای ماندگاری	تمرین نوشتاری	تمرین انتخابی	هم خانواده	مترادف	واژه
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	مستجاب، جواب	پذیرفتن، قبول کردن، پاسخ دادن	اجابت کردن
نمونه در متن: مردمان از شیخ استدعای مجلس کردند. اجابت کرد. (ص ۸۱)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	دعا، مستدعی	درخواست کردن، خواهش کردن	استدعا
نمونه در متن: مردمان از شیخ استدعای مجلس کردند. (ص ۸۱)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> اسوه <input type="checkbox"/> اسوه	-	پیشوا، سرمشق، نمونه‌ی پیروی	أسوه
نمونه در متن: وقتی اسوه‌ی تو آن تمثیل (وفاداری)، عباس بن علی (ع) باشد. (ص ۷۸)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	خداوند بزرگ	باری تعالی
نمونه در متن: تاریخ، مشیت باری تعالی است. (ص ۷۵)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	جلوه، جلی	آشکار شدن، جلوه کردن	تجلی
نمونه در متن: این جا آینه‌ی تجلی همه‌ی تاریخ است. (ص ۷۷)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	مکلف، تکلیف	رنج بر خود نهادن، خودنمایی و تجمل، بی تکلف: بی ریا، صمیمی	تکلف
نمونه در متن: بچه‌ها نیز همان بچه‌های صمیمی و بی تکلف و متواضع و ساده‌ای هستند که همیشه این جا و آن جا می‌بینی. (ص ۷۵)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	جُند، جنید	جمع جُند، سربازان، لشکریان، سپاهیان	جُنود
نمونه در متن: دشمن در برابر ایمان جنود خدا متکی به ماشین پیچیده‌ی جنگ است. (ص ۷۷)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> حُنین <input type="checkbox"/> هُنین	-	نام نبردی است در منطقه‌ی حنین که میان مسلمانان و کافران پس از فتح مکه روی داد.	حُنین
نمونه در متن: بدر و حُنین و عاشورا این جاست. (ص ۷۷)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	محلّی که درویشان و مرشدان در آن گرد می‌آیند.	خانقاه
نمونه در متن: بامداد در خانقاه، تخت بنهادند. (ص ۸۱)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	زمین پست، شاخه‌ای از دریا مانند خورموسی	خور
نمونه در متن: آنها با اشتیاق از بین گل و لای که حاصل جزر و مد آب خور است، خود را به قایق‌ها می‌رسانند. (ص ۷۷)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	آماده و مهیا کردن	راست و ریس کردن
نمونه در متن: آخرین کارهای مانده را راست و ریس می‌کنند. (ص ۷۵)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> رعب <input type="checkbox"/> رُعب	مرعوب، ارعاب	ترس، دلهره، هراس	رُعب
نمونه در متن: دل شیطان را از رُعب و وحشت می‌لرزانند. (ص ۷۷)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	سردسته، رئیس	سردمدار
نمونه در متن: چقدر شگفت‌آور است که انسان در متن عظیم‌ترین تحولات تاریخ جهان و در میان (ص ۷۷)					

سرمداران این تحول زندگی کند.					
سگان	ازاری در دنباله‌ی کشتی برای حرکت دادن کشتی	-	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	از طرف دیگر سگان دارها قایق‌هاشان را می‌شویند.				
سوله	ساختمان فلزی با سقف بلند	-	سوله <input type="checkbox"/> سوله <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	این جا سوله‌ای است که گردان عبدالله آخرین لحظات قبل از شروع عملیات را در آن می‌گذرانند				
غنا	توانگری، بی‌نیازی	استغنا	غنا <input type="checkbox"/> فنا <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	خاک، مظهر فقر مخلوق در برابر غنای خالق است.				
مُعَرَّف	کسی که افرادی را معرفی می‌کند، شناساننده	تعریف، معرفی	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	معرف بر پای خاست.				
معرکه	میدان جنگ	-	مثرکه <input type="checkbox"/> معرکه <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	حال آن‌که در معرکه‌ی قلوب مجاهدان خدا، آرامشی که حاصل ایمان است، حکومت دارد.				
مُقریان	جمع مُقری، قرآن‌خوان	قاری، قرائت	مقریان <input type="checkbox"/> مغریان <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	چون شیخ بیرون آمد، مُقریان، قرآن بر خواندند.				
نسیان	فراموشی	-	نسیان <input type="checkbox"/> نسیان <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	از نسیان و غفلت هرگز در نیابد که در کجا و در چه زمانی زیست می‌کند.				
نُفوس	جمع نفس، مجازاً انسان‌ها، موجودات زنده	انفس، نفس	نفوس <input type="checkbox"/> نفوس <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	فضای نفوس را با یاد خدا معطر می‌کند.				
وسواس	دودلی	وسوسه	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	گذشته‌ی خویش را با وسواس یک قاضی می‌کاوند.				
جفت‌های املائی					
واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتعابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
فضا	مکان، کیهان، آن‌سوی جو	-	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	هنور فضا از نم باران آکنده است.				
فزا	فزاینده آید: جان‌فزا، روح‌فزا	افزایش	فضا <input type="checkbox"/> فزا <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	من از کجا پند از کجا باده بگردان ساقیا آن جام جان‌افزای را بر ریز بر جان ساقیا				
جزر	پایین رفتن آب دریا	-	جزر <input type="checkbox"/> جزر <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	آنها با اشتیاق از بین گل و لایبی که حاصل جزر و مد آب «خور» است، خود را به قایق‌ها می‌رسانند				
جزر	بن، ریشه، اصل، اصطلاحی در ریاضیات	مجذور	جزر <input type="checkbox"/> جزر <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	نطقم اثر آنچنان نماید کز جزر اصم زبان گشاید				
مسلح	سلاح پوشیده، سلاح‌دار، دارای سلاحه	اسلحه، سلاح	مصلح <input type="checkbox"/> مسلح <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	بچه‌ها، آماده و مسلح، آخرین ساعات روز را به سوی پایان خوش انتظار طی می‌کنند.				

<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> مصلح <input type="checkbox"/> مسلح	اصلاح، صلاح	اصلاح کننده، نیکوکار	مُصلِح
هیچ مُصلِح به کوی عشق نرفت که نه دنیا و آخرت در باخت					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> توصل <input type="checkbox"/> توصل	وسیله، متوصل	دست به دامن شدن، وسیله قرار دادن، کمک گرفتن	توَصِّل
بعد از خواندن دعای قَرَج و توصل به حضرت زهرا (س) به آب زدند. (ص ۷۷)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> توصل <input type="checkbox"/> توصل	اتصال، وصل، متصل	رسیدن، پیوستن، به چیزی دست یافتن	توَصَّل
و خواهری از آن قباد توصل بدان کرد به حیلِت‌ها که او را از حبس بجهانید.					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	نام شهری است	طوس، توس
شیخ یک بار به طوس رسید.					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> قُرب <input type="checkbox"/> عُرب	قربت، قریب، مقاربت	نزدیک شدن، نزدیکی	قُرب
تا با خاک انس نگیری، راهی به مراتب قُرب نداری. (ص ۷۸)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> قُرب <input type="checkbox"/> عُرب	غرابت، غریب	دور شدن، باختر، یکی از چهار جهت اصلی، سرزمین‌های غرب	عُرب
در خیمه گویند در غرب داشت سکندر که با شرقیان حرب داشت					

روان خوانی: شنیدنیان ایران		درس یازدهم: خاک آزادگان			
تکرار برای ماندگاری	تمرین نوشتاری	تمرین انتخابی	هم خانواده	مترادف	واژه
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	آرزو، عقیده	آرمان
نمونه در متن: من ایرانی‌ام آرمانم شهادت تجلی هستی است جان کندن من (ص ۸۲)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	اسیر	جمع اسیر، گرفتاران، دستگیرشدگان	أسرا
نمونه در متن: أسرا با این پرنده‌های کاغذی چند ساعتی را به سرزمین مادری سفر می‌کردند. (ص ۸۹)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> اسطوره <input type="checkbox"/> استوره	اساطیر	سخنان یا اشخاص و آثاری که مربوط به رویدادهای فوق طبیعی روزگار باستان است.	أسطوره
نمونه در متن: نامه بوی پدرم را می‌داد: بوی اسطوره‌ی زندگی‌ام را. (ص ۸۹)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> بعث <input type="checkbox"/> بعص	-	حزبی سیاسی که صدام حسین، رئیس جمهور پیشین عراق، رهبری آن را برعهده داشت.	بعث
نمونه در متن: صبحدم بیست و چهارم مهر، هم‌زمان شد با سروصدای خودروهای بعثی. (ص ۸۱)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	دختران امام خمینی	بنات الخمینی
نمونه در متن: کلمه‌ی «بنات الخمینی» و «ژنرال» را در هر جمله و عبارتی می‌شنیدم. (ص ۸۷)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> طاوان <input type="checkbox"/> تاوان	-	آسیبی که شخص به خاطر آسیب رساندن به دیگران ببیند.	تاوان
نمونه در متن: تاوان آن فراموشی را نسل دیگری پرداخته است. (ص ۹۱)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	جلی، جلوه	جلوه‌گری، پدیدار شدن چیزی درخشان، روشنی	تجلی
نمونه در متن: من ایرانی‌ام آرمانم شهادت تجلی هستی است جان کندن من (ص ۸۲)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> تغریض <input type="checkbox"/> تغریظ <input type="checkbox"/> تقریظ	-	مطلبی ستایش‌آمیز درباره‌ی کتاب	تقریظ
نمونه در متن: متن تقریظ رهبر معظم انقلاب بر کتاب «من زنده‌ام» (ص ۸۵)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	اکرم، مکرم	بزرگداشت، گرامیداشت	تکریم
نمونه در متن: نه تسلیم و سازش، نه تکریم و خواهش بتازد به بیرنگ تو، توسن من (ص ۸۲)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> توسن <input type="checkbox"/> توسن	-	اسب سرکش، متضاد رام	توسن
نمونه در متن: نه تسلیم و سازش، نه تکریم و خواهش بتازد به بیرنگ تو، توسن من (ص ۸۲)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	توشه و اندوخته، توانایی تحمل سنگینی یا فشار	توش
نمونه در متن: تمام توش و توان ما در دوران اسارت، ضربان قلب و سوی چشم ما، به خطوط و سطور این کاغذها و کلمات و نوشته‌ها بسته بود. (ص ۹۰)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	جسور	دلیری، بی‌باکی و گستاخی	جسارت
نمونه در متن: عنوان بنت الخمینی و ژنرال به من جسارت و جرئت بیش تری می‌داد. (ص ۸۷)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> خصم <input type="checkbox"/> خصم <input type="checkbox"/> خثم	متخاصم	دشمن	خصم
نمونه در متن: تتم گر بسوزی، به تیرم بدوزی جداسازی ای خصم، سر از تن من (ص ۸۲)					

<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	دَبَر <input type="checkbox"/> زَبَر <input type="checkbox"/>	-	بالا، فوق، مقابل زیر	زَبَر	نمونه در متن	تا زَبَر خاکی ای درخت تنومند	مگسِل از این آب و خاک ریشه‌ی پیوند
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	خسته کننده	طاقَت فرسا	نمونه در متن	به خودم قول دادم، هیچ وقت درد و رنج خود و لحظه‌های انتظار طاقت فرسای خانواده‌ی بزرگ اسیران درد کشیده را فراموش نکنم.	
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	فراق <input type="checkbox"/> فراغ <input type="checkbox"/>	فُرقت	دوری، جدایی	فراق	نمونه در متن	زبان خامه ندارد سر بیان فراق	و گرنه شرح دهم با تو داستان فراق
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	پرنده‌ی از رده‌ی لاشخورها	کَرکس	نمونه در متن	هر کَرکسی بدون اجازه از بام میهن ما بگذرد، باید پَرهایش را به تربیت‌شدگان نسل ما باج دهد	
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	مکفی، کفایت	به اندازه کافی، آن اندازه روزی که انسان را بس باشد.	کِفاف	نمونه در متن	تخت‌ها کفاف مجروحان را نمی‌داد.	
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	گلستان، گلزار	گلشن	نمونه در متن	به خون، گر کِشی خاک من، دشمن من	بجوشد گل اندر گل از گلشن من
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	دفن، دفینه	جای دفن، گور	مَدْفَن	نمونه در متن	میدار این شعله، افسرده گردد	که بعد از من افروزد از مدفن من
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	مصلحت <input type="checkbox"/> مصلحت <input type="checkbox"/>	صلاح، اصلاح	آنچه که سبب خیر و صلاح انسان باشد.	مصلحت	نمونه در متن	این چه تقدیر و مصلحتی بود.	
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	علیل، علّت	کسی که اندام‌هایی از بدنش آسیب دیده است.	معلول	نمونه در متن	این بار، زیر بغل برادران مجروح و معلول را گرفته، آن‌ها را هم بیرون می‌کشیدند.	
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	عیار	مقیاس، اندازه	معیار	نمونه در متن	بچه‌ها را نوبتی و از روی ملاک و معیار خودشان انتخاب می‌کردند.	
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	گَسَل	جدا مشو، رها مکن	مگسِل	نمونه در متن	تا زَبَر خاکی ای درخت تنومند	مگسِل از این آب و خاک ریشه‌ی پیوند
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	اصل هر چیز: معیار، ابزار سنجش	مِلاک	نمونه در متن	بچه‌ها را نوبتی و از روی ملاک و معیار خودشان انتخاب می‌کردند.	
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	محب <input type="checkbox"/> مهیب <input type="checkbox"/>	مهابت	ترسناک، ترس‌آور، هولناک	مهیب	نمونه در متن	ناگهان خودروی ما با صدای انفجار مهیبی متوقف شد.	
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	وقاحت <input type="checkbox"/> وقاحت <input type="checkbox"/>	وقیح	بی‌شرمی، بی‌حیایی	وقاحت	نمونه در متن	اما آنها با وقاحت همه‌ی کلاه‌ها و لباس‌ها را از تنشان بیرون کشیدند.	
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	هیأت <input type="checkbox"/> هیئت <input type="checkbox"/>	-	گروه، دسته، انجمن	هیئت	نمونه در متن	در شهریور ۱۳۶۱ دومین دیدارمان با هیئت صلیب سرخ انجام شد.	

واژه‌های داخل متن

تکرار برای ماندگاری	تمرین نوشتاری	تمرین انتخابی	هم‌خانواده	مترادف	واژه
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	شمیشیر	تیغ
نمونه در متن همه تیغ و ساعد ز خون بود لعل خروشان دل خاک در زیر نعل					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	ازدهام <input type="checkbox"/> ازدحام <input type="checkbox"/>	زحمت، تراحم	جمع شدن مردم، شلوغی، هنگامه	ازدهام
نمونه در متن ازدحام مردم برای اهدای خون و کمک‌رسانی، همه‌ی کارکنان بیمارستان را کلافه کرده بود. (ص ۸۵)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	مهاسن <input type="checkbox"/> محاسن <input type="checkbox"/>	حُسن	خوبی‌ها، موی چهره‌ی مردان، ریش	محاسن
نمونه در متن جوانی با قامتی باریک و بلند و محاسنی قهوه‌ای مثل تبری که از دور شلیک شود، به جمع ما پرتاب شد. (ص ۸۸)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	فضله <input type="checkbox"/> فضله <input type="checkbox"/>	فضل، فاضل	سرگین، مدفوع چهارپایان	فضله
نمونه در متن صورت گوسفندها نوی صورنمان بود و روی دست و پایمان فضله می‌ریختند. (ص ۸۸)					
جفت‌های املائی					
تکرار برای ماندگاری	تمرین نوشتاری	تمرین انتخابی	هم‌خانواده	مترادف	واژه
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	تقریض <input type="checkbox"/> تقریظ <input type="checkbox"/>	-	ستودن، نوشتن یادداشتی ستایش‌آمیز درباره‌ی یک کتاب	تقریظ
نمونه در متن متن تقریظ رهبر معظم انقلاب بر کتاب «من زنده‌ام». (ص ۸۵)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	تقریض <input type="checkbox"/> تقریظ <input type="checkbox"/>	مقراض	بریدن، قطع کردن، شعر گفتن در مدح یا ذم گفتن	تقریض
نمونه در متن					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	حَرَس <input type="checkbox"/> حَرَص <input type="checkbox"/> حَرَث <input type="checkbox"/>	حراست، حارس	نگهبانی کردن	حرس
نمونه در متن روی هر کس انگشت حرس‌الخمینی می‌گذاشتند. (ص ۸۹)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	هرس <input type="checkbox"/> هرس <input type="checkbox"/> هرث <input type="checkbox"/>	-	بریدن شاخه‌های زاید درخت	هرس
نمونه در متن بُر دواى مرا از جریم عشق، ترس! بُر! نیاز شدیدی به این هرس دارم					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	سطور <input type="checkbox"/> ستور <input type="checkbox"/>	سطر، مسطور	جمع سطر، خط‌ها، ردیف‌ها	سطور
نمونه در متن ضربان قلب و سوی چشم ما، به خطوط و سطور این کاغذها و کلمات و نوشته‌ها بسته بود. (ص ۸۹)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	ستور <input type="checkbox"/> ستور <input type="checkbox"/>	-	چهارپا، حیوان بارکش، مرکب	ستور
نمونه در متن ر سُم ستوران در آن یهن دشت زمین شش شد و آسمان گشت هشت					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	مأمور <input type="checkbox"/> مأمور <input type="checkbox"/>	امارت، امیر، امر	کسی که به او امر شده کاری انجام دهد	مأمور
نمونه در متن حکم مأموریتم را در یک مشتتم پنهان کرده بودم. (ص ۸۶)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	معمور <input type="checkbox"/> معمور <input type="checkbox"/>	عمارت، تعمیر	تعمیر شده، آباد شده	معمور
نمونه در متن کام جان پر شکر از شعر چو قند تو بود بیت معمور ادب طبع بلند تو بود					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	حک <input type="checkbox"/> حک <input type="checkbox"/>	حکاک، حکاکی	ساییدن، تراشیدن	حک

(ص ۱۹)	یادگاری‌ها با جسم تیزی روی دیوار حک شده بود.			نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> حک <input type="checkbox"/> حک	رخنه و نفوذ به سیستم‌های رایانه‌ای	حک
افرادی که سیستم‌های سازمان‌ها را حک می‌کنند، مقاصد مختلفی دارند.				نمونه در متن

گنج حکمت: عامل و رعیت		درس دوازدهم: رستم و اشکبوس			
تکرار برای ماندگاری	تمرین نوشتاری	تمرین انتخابی	هم خانواده	مترادف	واژه
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	آبنوس <input type="checkbox"/> آبنوس <input type="checkbox"/>	-	درختی است که چوب سیاه‌رنگ آن سخت و صیقل پذیر است.	آبنوس
(ص ۹۷)		زمین آهنین شد، سپهر آبنوس		به گرز گران، دست برد اشکبوس	نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	بارگی <input type="checkbox"/> بارگی <input type="checkbox"/>	باره	اسب «باره»	بارگی
(ص ۹۷)		به کشتن دهنی سر به بکارگی		گشائی بدو گفت: بی بارگی	نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	سیاره‌ی مریخ	بهرام
(ص ۹۷)		ز بهرام و کیوان، همی برگذشت		خروش سواران و اسپان ز دشت	نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	پُتک <input type="checkbox"/> پُتک <input type="checkbox"/>	-	چکش بزرگ فولادین، آهن کوب	پُتک
(ص ۹۷)		زمانه مرا پُتک ترگِ تو کرد		مرا مادرم نام، مرگ تو کرد	نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	کلاه خود	تُرگ
(ص ۹۷)		زمانه مرا پُتک ترگِ تو کرد		مرا مادرم نام، مرگ تو کرد	نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	تند و سریع	فیز
(ص ۹۵)		همی گرد رزم اندر آمد به ابر		بشد تیز، رهام با خود و گیر	نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	مقام، درجه	جاه
(ص ۹۵)				گفت: از جاهت اندیشه همی کردم.	نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	درختی بسیار سخت که از چوب آن، نیزه و تیر می‌ساختند.	خدنگ
(ص ۹۸)		گزین کرد یک چوبه تیر خدنگ		تهمتن به بند کمر برد چنگ	نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	کلاه فلزی که سربازان بر سر می‌گذارند.	خود
(ص ۹۵)		همگی گرد رزم اندر آمد به ابر		بشد تیز، رهام با خود و گیر	نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	جانوره درنده، مانند شیر و پلنگ	دد
(ص ۹۵)		با ددان آن به که کم گیری ستیز		چون نداری ناخن درنده تیز	نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	زجر <input type="checkbox"/> زجر <input type="checkbox"/>	-	آزار، اذیت، شکنجه	زجر
(ص ۱۰۱)				بس به زجر و مصادره از وی بازستانی.	نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	زه <input type="checkbox"/> زه <input type="checkbox"/>	-	چله کمان، وتر	زه
(ص ۹۷)		به بند کمر بر، برد تیر چند		کمان به زه را به بازو فکند	نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	طی کردن	سپردن
(ص ۹۵)		که گر آسمان را بیاید سپرد		به لشکر چنین گفت کاموس گرد	نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	ستوه <input type="checkbox"/> ستوه <input type="checkbox"/>	-	خسته، درمانده، رنجور	ستوه
(ص ۹۷)		بپیچید زو روی و شد سوی کوه		چو رهام گشت از گشائی ستوه	نمونه در متن

<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> صلیح <input type="checkbox"/> صلیح	سلاح، اسلحه	افزار جنگ، ممال سلاح	سلیح
(ص ۹۸)	نبینم همی جز فسوس و مزیح		کشانی بدو گفت: با تو سلیح	نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> سندروس <input type="checkbox"/> سندروس <input type="checkbox"/> سندروس	-	صمغی زرد رنگ از نوعی سرو کوهی	سندروس
(ص ۹۸)	تئی، لرز لرزان و رخ، سندروس		کمان را به زه کرد زود اشکیوس	نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> -	عمل، تعامل	حاکم، والی	عامل
(ص ۱۰۱)	شبندهام فلان عامل را که فرستاده‌ای به فلان ولایت، بر رعیت درازدستی می‌کند.			نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> عنان <input type="checkbox"/> انان	-	افسار، دهانه	عنان
(ص ۹۷)	عنان را گران کرد و او را بخواند		کشانی بخندید و خیره بماند	نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> -	-	مراد، آرزو، قصد، نیت	کام
(ص ۹۷)	چه پرسی گزین پس نبینی تو کام		تهمتن چنین داد پاسخ که نام	نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> کاموس <input type="checkbox"/> کاموس	-	یکی از فرماندهان زیردست افراسیاب	کاموس
(ص ۹۵)	که گر آسمان را بناید سپرد		به لشکر چنین گفت کاموس گرد	نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> -	-	طبل	کوس
(ص ۹۵)	همی بر خروشید، برسان کوس		دلیری کجا نام او اشکیوس	نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> -	-	سیاره‌ی زحل	کیوان
(ص ۹۵)	ز بهرام و کیوان همی برگذشت		خروش سواران و اسبان زدشت	نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> -	-	نوعی جامه‌ی جنگی، خفتان	گیر
(ص ۹۵)	همی گرد رزم اندر آمد به ابر		بشد تیز، رهام با خود و گیر	نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> -	-	دلیر، پهلوان	گرد
(ص ۹۵)	که گر آسمان را بناید سپرد		به لشکر چنین گفت کاموس گرد	نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> مزیح <input type="checkbox"/> مزیح	مزاح	ممال مزاح، شوخی	مزیح
(ص ۹۸)	نبینم همی جز فسوس و مزیح		کشانی بدو گفت: با تو سلیح	نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> مصادره <input type="checkbox"/> مصادره	-	تاوان گرفت، جریمه کردن	مصادره
(ص ۱۰۱)	پس به زجر و مصادره از وی بازستانی.			نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> مضرت <input type="checkbox"/> مضرت	ضرر	زیان، گزند رسیدن	مضرت
(ص ۱۰۱)	بادشاه خجل گشت و دفع مضرت کامل بفرمود.			نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> -	-	حریف، رقیب	هماورد
(ص ۹۷)	هماوردت آمد، مشو باز جای		خروشید، کای مرد رزم آزمای	نمونه در متن

واژه‌های داخل متن

واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
بر آویختن	گلاویز شدن، وارد جنگ شدن، آویزان کردن، گرفتار شدن	آویزان	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	بر آویخت رهام با اشکبوس	برآمد ز هر دو سپه، بوق و کوس			(ص ۹۵)
بر آهیختن	برکشیدن، برآوردن	آخته	بر آهیخت بر آهیخت	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	بر آهیخت رهام، گرز گران	غمی شد ز بیکار، دست سران			(ص ۹۷)
غمی	غمگین، آزرده	مغموم	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	بر آهیخت رهام، گرز گران	غمی شد ز بیکار، دست سران			(ص ۹۷)
بر آشفتن	خشمگین شدن، شور و غوغا برپا کردن	آشفته	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	تهمن بر آشفته و با طوس گفت	که رهام را جام باده است جفت			(ص ۹۷)
به آیین	منظم، با نظم و قاعده	-	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	تو قلب سپه را به آیین بدار	من اکنون، پیاده، کنم کارزار			(ص ۹۷)
رزم آزمای	جنگ جوی باتجربه	آزمایش	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	خروشید: کای مردم رزم آزمای	هماوردت آمد، مشو باز جای			(ص ۹۷)
پر خاشجو	جنگ جو	پر خاشگر	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	تهمن چنین داد پاسخ بدوی:	که ای بیهده مرد پر خاشجوی			(ص ۹۷)
نبرده	جنگی، جنگجو، دلیر، رزم آزمای	نبرد، هم‌نبرد	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	هم اکنون تو را، ای نبرده سوار	پیاده بیاموزمت کارزار			(ص ۹۷)
فسوس	افسوس، حسرت و اندوه، ریشخند	افسوس	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	کشانی بدو گفت: با تو سلیح	ببینم همی جز فسوس و مزیح			(ص ۹۷)
سزیدن	سزاوار و شایسته بودن، روا بودن	سزاو، سزاوار، ناسزا	سزیدن <input type="checkbox"/> سزیدن <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	سزد گر بداری سرش در کنار	زمانی بر آسایی از کارزار			(ص ۹۸)
رنجه	آزرده	رنجش، رنجور، رنج	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	همی رنجه داری تن خویش را	دو بازوی و جان بداندیش را			(ص ۹۸)
شست	انگشته ماندی که در انگشت شست می کردند تا با آن محکم‌تر تیر را بگیرند	-	شست <input type="checkbox"/> شست <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	کمان را بمالید رستم به چنگ	به شست اندر آورد، تیر خدنگ			(ص ۹۸)
قلب	مرکز سپاه، مقر فرماندهی سپاه	مقلوب	غلب <input type="checkbox"/> قلب <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن	ز قلب سپاه اندر آشفته طوس	بزد اسپ، کاید بر اشکبوس			(ص ۹۷)
باز جای	سوی جای، به سوی سپاهت	-	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>

نمونه در متن	خروشید: کای مرد رزم آزمای	هماوردت آمد، مشو باز جای	(ص ۹۷)
گران کردن عنان	کنایه از ایستادن اسب	- □□□□ □□□□
نمونه در متن	کشانی بخندید و خیره بماند	عنان را گران کرد و او را بخواند	(ص ۹۷)
اندر زمان	بی درنگ، فوراً	- □□□□ □□□□
نمونه در متن	کشانی هم اندر زمان، جان بداد	چنان شد که گفتی ز مادر نژاد	(ص ۹۸)
گفتی	انگار، گویی	گویا □□□□ □□□□
نمونه در متن	کشانی هم اندر زمان، جان بداد	چنان شد که گفتی ز مادر نژاد	(ص ۹۸)
حجیب	حجاب، پوشش	محبّه حجیب <input type="checkbox"/> حجیب <input type="checkbox"/> □□□□ □□□□
نمونه در متن	تو برون خبر نداری که چه می رود ز عشقت	به در آی اگر نه آتش بزیم در حجیبت	

واژه		مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
افسر	تاج، دیهیم، کلاه پادشاهی	-	افسر <input type="checkbox"/> افسر <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	
نمونه در متن	بدانست سهراب، کاو دختر است	سر و موی او از در افسر است			(ص ۱۰۴)	
افسون	حیله کردن، سحر کردن، جادو کردن	-	افسون <input type="checkbox"/> افسون <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	
نمونه در متن	که هم رزم خستی هم افسون و رنگ	نیامد ز کار تو بر دوده ننگ			(ص ۱۰۵)	
آورد	جنگ، نبرد، کارزار	-	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	
نمونه در متن	به آورد با او بسنده نبود	بپیچید ازو روی و برگاشت زود			(ص ۱۰۳)	
بادبا	اسب تندرونده	-	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	
نمونه در متن	فرود آمد از دژ به کردار شیر	کمر بر میان، بادبایی به زیر			(ص ۱۰۲)	
باره	دیوار قلعه، حصار	-	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	
نمونه در متن	در باره بگشاد گرد آفرید	تن خسته و بسته، بر دژ کشید			(ص ۱۰۴)	
بردمیدن	خروشیدن، برخاستن	-	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	
نمونه در متن	چو سهراب را دید گرد آفرید	که برسان آتش همی بردمید			(ص ۱۰۳)	
برگاشتن	برگردانیدن	-	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	
نمونه در متن	به آورد با او بسنده نبود	بپیچید ازو روی و برگاشت زود			(ص ۱۰۳)	
بدرام	سرسبز و خرم	-	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	
نمونه در متن	از این خطه‌ی نغز بدرام پاک	وزین خاک جان پرور تابناک			(ص ۱۰۸)	
تاب	چرخ و پیچ که در طناب و کمند و زلف می‌باشد.	-	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	
نمونه در متن	سر نیزه را سوی سهراب کرد	عنان و سنان را پُر از تاب کرد			(ص ۱۰۳)	
چاره‌گر	کسی که با حیله و تدبیر، کارها را بسامان کند؛ مدبّر	-	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	
نمونه در متن	بر آشفت سهراب و شد چون پلنگ	چو بدخواه او چاره‌گر بُد به جنگ			(ص ۱۰۴)	
خطه	سرزمین	-	خته <input type="checkbox"/> خطّه <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	
نمونه در متن	از این خطه‌ی نغز بدرام پاک	وزین خاک جان پرور تابناک			(ص ۱۰۸)	
خیره	متحیر، سرگشته	-	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	
نمونه در متن	دگر ره، چنان شد هنر آشکار	کز آن خیره شد دیده‌ی روزگار			(ص ۱۰۸)	
درع	جامه‌ی جنگی که از حلقه‌های آهنی سازند، زره	-	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	
نمونه در متن	بپوشید درع سواران جنگ	نبود اندر آنکار، جای درنگ			(ص ۱۰۳)	
دژ	قلعه	-	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	
نمونه در متن	در دژ بیستند و عمگین شدند	پُر از غم دل و دیده خونین شدند			(ص ۱۰۴)	

<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	خروشنده، غرنده، مهیب، هولناک	دَمان
نمونه در متن: بیامد دَمان پیش گرد آفرید / جو دُخت کمندا فکن او را برید (ص ۱۰۳)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	دودمان	دودمان، خاندان، طایفه	دوده
نمونه در متن: که هم رزم جُستی هم افسون و رنگ / نیامد ز کار تو بر دوده ننگ (ص ۱۰۵)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> زره <input type="checkbox"/> ذره	-	جامه‌ای جنگی دارای آستین کوتاه و مرکب از حلقه‌های ریز فولادی	زره
نمونه در متن: بزد بر کمر بندِ گرد آفرید / زره بر برش، یک به یک، بردرید (ص ۱۰۳)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	سردار، سپهسالار، آن که دارای شغلی بزرگ و منصبی رفیع باشد، حاکم	سالار
نمونه در متن: چو آگاه شد دختر گزدهم / که سالار آن انجمن گشت کم (ص ۱۰۴)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	اسبی که رنگش مایل به زردی باشد، زرده	سَمند
نمونه در متن: عنان را بیچید گرد آفرید / سمند سرافراز بر دژ کشید (ص ۱۰۴)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> صنان <input type="checkbox"/> سنان	-	سرنیزه، تیزی هر چیز	سِنان
نمونه در متن: سر نیزه را سوی سهراب کرد / عنان و سنان را پر از تاب کرد (ص ۱۰۳)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	شیرافکن، کنایه از بسیار دلاور	شیر اوژن
نمونه در متن: چو سهراب شیر اوژن، او را بدید / بخندید و لب را به دندان گزید (ص ۱۰۳)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	ترک‌بند، تسمه و دوالی که از عقب زین اسب می‌آویزند.	فتراک
نمونه در متن: ز فتراک بگشود پیچان کمند / بینداخت و آمد میانش به بند (ص ۱۰۴)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> هژیر <input type="checkbox"/> حژیر	-	خوب، پسندیده؛ چابک، چالاک	هژیر
نمونه در متن: دلیران و مردان ایران زمین / هژیران جنگ‌آور روز کین (ص ۱۰۸)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	رسیدن، نزدیک آمدن	فراز آمدن
نمونه در متن: خروشان و جوشان به کردار موج / فراز آمدند از کران فوج فوج (ص ۱۰۹)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	گروه، دسته	فوج
نمونه در متن: خروشان و جوشان به کردار موج / فراز آمدند از کران فوج فوج (ص ۱۰۹)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	کمند انداز	کمندا فکن
نمونه در متن: بیامد دمان پیش گرد آفرید / چو دُخت کمندا فکن او را بدید (ص ۱۰۳)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> نظاره <input type="checkbox"/> نظاره	منظره، نظر	تماشاگر؛ بیننده	نظاره
نمونه در متن: دو لشکر، نظاره برین جنگ ما / برین گرز و شمشیر و آهنگ ما (ص ۱۰۴)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	صدا، آواز، ناله	ویله
نمونه در متن: به پیش سپاه اندر آمد چو گرد / چو رعد خروشان یکی ویله کرد (ص ۱۰۳)					
واژه‌های داخل متن					

واژه	مترادف	هم خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
گرد	پهلوان، بهادر، دلاور	گردان (واحد نظامی)	-	□□□□ □□□□
نمونه در متن	زنی بود برسان گردی سوار	همیشه به جنگ اندرون نامدار	(ص ۱۰۳)		
کجا	گاهی به معنای که	-	-	□□□□ □□□□
نمونه در متن	کجا نام او بود «گرد آفرید»	زمانه ز مادر چنین نآورید	(ص ۱۰۲)		
به کردار	مانند	-	-	□□□□ □□□□
نمونه در متن	چنان ننگش آمد ز کار هجیر	که شد لاله رنگش به کردار قیر	(ص ۱۰۲)		
اوژنیدن	افکندن، بر زمین انداختن	شیر اوژن	-	□□□□ □□□□
نمونه در متن	چو سهراب شیر اوژن، او را بدید	بخندید و لب را به دندان گزید	(ص ۱۰۳)		
آویختن	گرفتار شدن، گلاویز شدن، آویزان کردن	آویخته	-	□□□□ □□□□
نمونه در متن	بدانست کاویخت گرد آفرید	مر آن را جز از چاره درمان ندید	(ص ۱۰۴)		
چاره	در گذشته به معنای حيله و فریب	ناچار	-	□□□□ □□□□
نمونه در متن	بدانست کاویخت گرد آفرید	مر آن را جز از چاره درمان ندید	(ص ۱۰۴)		
از در	سزاوار	-	-	□□□□ □□□□
نمونه در متن	بدانست سهراب، کاو دختر است	سر و موی او از در افسر است	(ص ۱۰۴)		
باره	دیوار دور دژ، بارو، اسب	-	-	□□□□ □□□□
نمونه در متن	بخندید بسیار، گرد آفرید	به باره بر آمد سپه بنگرید	(ص ۱۰۵)		
رنگ	مکر و حيله	-	-	□□□□ □□□□
نمونه در متن	که هم رزم خستی هم افسون و رنگ	نیامد ز کار تو بر دوده رنگ	(ص ۱۰۵)		
هنگامه	فریاد و غوغا، جمعیت مردم	-	-	□□□□ □□□□
نمونه در متن	چو هنگامه‌ی آزمون تازه شد	دگر باره ایران، پر آوازه شد	(ص ۱۰۸)		
کنام	آشيان جانوران وحشی	-	-	□□□□ □□□□
نمونه در متن	از این مرز فرخنده‌ی مرد خیر	کنام پلنگان دشمن ستیز	(ص ۱۰۸)		
هنر	فن و دانش و علم، فرهیختگی	-	-	□□□□ □□□□
نمونه در متن	دگر ره، چنان شد هنر آشکار	کز آن خیره شد دیده‌ی روزگار	(ص ۱۰۸)		
کین	جنگ، دشمنی، کینه	-	-	□□□□ □□□□
نمونه در متن	دلبران و مردان ایران زمین	هزیران جنگ آور روز کین	(ص ۱۰۸)		
فراز آمدن	نزدیک شدن	-	فراز آمدن فراز آمدن	□□□□ □□□□
نمونه در متن	خروشان و جوشان به کردار موج	فراز آمدند از کران فوج فوج	(ص ۱۰۹)		

جفت‌های املایی

تکرار برای ماندگاری	تمرین نوشتاری	تمرین انتخابی	هم‌خانواده	مترادف	واژه
□□□ □□□	غیر <input type="checkbox"/> قیر <input type="checkbox"/>	-	از مشتقات نفت	قیر
نمونه در متن: چنان ننگش آمد ز کار هجیر / که شد لاله رنگش به کردار قیر (ص ۳، ۱)					
□□□ □□□	غیر <input type="checkbox"/> تغییر <input type="checkbox"/>	تغییر، متغیر	جز، سوا، دیگر، بیگانه	غیر
نمونه در متن: مشنوی دوست که غیر از تو مرا یاری هست / یا شب و روز به جر فکر توأم کاری هست					
□□□ □□□	نغز <input type="checkbox"/> نقض <input type="checkbox"/> نقض <input type="checkbox"/>	-	خوب، نیک، بدیع	نغز
نمونه در متن: از این خطه‌ی نغز پدیرام پاک / وزین خاک جان پرور تانناک (ص ۸، ۱)					
□□□ □□□	نقض <input type="checkbox"/> نقض <input type="checkbox"/>	ناقض، نقیضه	شکستن عهد و پیمان	نقض
نمونه در متن: تا عهد تو در بستم عهد هم بشکستم / بعد از تو روا باشد نقض همه پیمان‌ها					

واژه		مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
ابدال	جمع بدیل و بدل، مردان کامل	بدل	-	-	□□□ □□□
نمونه در متن	حمله عالم زین سبب گمراه شد	کم کسی را ابدال حق، آگاه شد				(ص ۱۱۴)
اشباه	جمع شبهه و شبه، ماندها، همانندان	شبیبه، تشبیه	اشباح □ اشباه □	□□□ □□□	
نمونه در متن	صد هزاران این چنین اشباه بین	فرقشان هفتاد ساله راه بین				(ص ۱۱۶)
تلطف	مهربانی، اظهار لطف و مهربانی کردن، نرمی کردن	لطیف، لطافت	تلطف □ تلطف □ تلطف □	□□□ □□□	
نمونه در متن	بر سیل تلطف جوابش باز داد.					(ص ۱۱۷)
جولقی	پشمینه‌پوش، درویش	-	جولقی □ جولقی □	□□□ □□□	
نمونه در متن	جولقی‌ای سر برهنه می‌گذشت	با سر بی‌مو، جو پشت طاس و طشت				(ص ۱۱۳)
حاذق	ماهر، چیره‌دست	-	هاذق □ حاذق □ حاذق □	□□□ □□□	
نمونه در متن	در خطاب آدمی، ناطق بدی	در نوای طوطیان حاذق بدی				(ص ۱۱۴)
خواجه‌وش	کدخدا منش	-	خواجه‌وش □ خواجه‌وش □	□□□ □□□	
نمونه در متن	از سوی خانه پیامد خواجه‌اش	بر دکان بنشست فارغ، خواجه‌وش				(ص ۱۱۳)
زبون	خوار، ناتوان	-	ذبون □ زبون □	□□□ □□□	
نمونه در متن	ای روح‌الله، چرا زبون این ناکس شده‌ای؟					(ص ۱۱۷)
سرگین	فضله‌ی برخی چهارپایان، مانند اسب و ...	-	-	□□□ □□□	
نمونه در متن	هر دو گون آهو گیا خوردند و آب	زین یکی سرگین شد و زان، مشک ناب				(ص ۱۱۴)
سفاهت	بی‌خردی، کم‌عقلی، نادانی	سفیه	سفاحت □ سفاهت □ سفاهت □	□□□ □□□	
نمونه در متن	آغاز عربده و سفاهت نهاد.					(ص ۱۱۷)
سوداگر	آنکه کارش داد و ستد است، بازرگان، تاجر	-	-	□□□ □□□	
نمونه در متن	در دکان بودی نگهبان دکان	نکنه گفتی با همه سوداگران				(ص ۱۱۳)
طاس	کاسه‌ی مسی	-	تاس □ طاس □	□□□ □□□	
نمونه در متن	جولقی‌ای سر برهنه می‌گذشت	با سر بی‌مو جو پشت طاس و طشت				(ص ۱۱۳)
عربده	فریاد پرخاش جویانه برای برانگیختن دعا و هیاهو، نعره و فریاد	-	-	□□□ □□□	
نمونه در متن	آغاز عربده و سفاهت نهاد.					(ص ۱۱۷)
قهر	خشم، غضب	قهار	قحر □ قهر □	□□□ □□□	
نمونه در متن	هر چند او قهر می‌کند، تو لطف می‌فرمایی.					(ص ۱۱۷)

کَل	مخفف کچل	-	-	□□□ □□□
نمونه در متن	از چه، ای کل، با کلان آمیختی؟	تو مگر از شیشه روغن ریختی؟	(ص ۱۱۳)		
مُسَلِّم داشتن	باور کردن، پذیرفتن	تسلیم، اسلام	-	□□□ □□□
نمونه در متن	آن شخص مسلّم نداشت.		(ص ۱۱۷)		
ندامت	پشیمانی، تأسّف	-	-	□□□ □□□
نمونه در متن	روزی چندی سخن کوتاه کرد	مرد بقال از ندامت آه کرد	(ص ۱۱۳)		

واژه‌های داخل متن

واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
صدر	بالا، بالای مجلس، آغاز هر چیزی، بزرگ و مهتر، سینه	مصدر، صدارت	صدر <input type="checkbox"/> صدر <input type="checkbox"/>	□□□ □□□
نمونه در متن	جست از صدر دکان سویی گریخت	شیشه‌های روغن گل را بریخت	(ص ۱۱۴)		
فارغ	بی‌خبر و آسوده، آزاد و بی‌نیاز	فراغت	فارغ <input type="checkbox"/> فارغ <input type="checkbox"/>	□□□ □□□
نمونه در متن	از سوی خانه بیامد خواهش	بر دکان بنشست فارغ، خواهش	(ص ۱۱۳)		
میخ	ابر	-	میخ <input type="checkbox"/> میخ <input type="checkbox"/>	□□□ □□□
نمونه در متن	ریش برمی‌کند و می‌گفت: «ای دروغ	کافتاب نعمتم شد زیر میخ»	(ص ۱۱۳)		
دلق	جامه‌ی دوریشان، خرقه، پوستین؛ صاحب دلق: درویش، صوفی	-	دلق <input type="checkbox"/> دلق <input type="checkbox"/>	□□□ □□□
نمونه در متن	از قیاسش خنده آمد خلق را	کاو چو خود پنداشت صاحب دلق را	(ص ۱۱۴)		
دچار شدن	روبه‌رو شدن	ناچار	-	□□□ □□□
نمونه در متن	ابله‌ی با وی دچار شد.		(ص ۱۱۷)		
اناء	کوزه‌ی سفالی، سبو، ظرف	-	اناء <input type="checkbox"/> اناء <input type="checkbox"/>	□□□ □□□
نمونه در متن	«ای رفیق! گلّ اناءِ بشرّیح بما فیه، از کوزه همان برون تراود که در اوست.»		(ص ۱۱۷)		

جفت‌های املائی

واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
قیاس	سنجش	مقایسه، مقیاس	قیاس <input type="checkbox"/> قیاس <input type="checkbox"/>	□□□ □□□
نمونه در متن	از قیاسش خنده آمد خلق را	کاو چو خود پنداشت صاحب دلق را	(ص ۱۱۴)		
غیاث	به فریاد کسی رسیدن، فریادرس و یاری‌دهنده	الغیاث (یاری می‌خواهم)، استغاثه (کمک خواستن)	غیاث <input type="checkbox"/> غیاث <input type="checkbox"/> قیاص <input type="checkbox"/>	□□□ □□□
نمونه در متن	این چنین گستاخ ندیشم دگر	یا غیاث المستغیثین اهدنا			
صدر	سینه، اول هر چیزی، بالا، طرف بالا، پیشوا، بزرگ	صدارت، مصدر	صدر <input type="checkbox"/> صدر <input type="checkbox"/>	□□□ □□□
نمونه در متن	جست از صدر دکان سویی گریخت	شیشه‌های روغن گل را بریخت	(ص ۱۱۳)		
سِدر	درختی است بومی گرمسیری و بسیار تنومند	-	سِدر <input type="checkbox"/> سِدر <input type="checkbox"/>	□□□ □□□

نمونه در متن		پس از مردن، غباری زان سر کوی	به جای سدر و کافورم، پسند است	(شبح بیایی)
آشابه	جمع شبّه، ماندها، مثل‌ها	شبه، شبیه	آشباح <input type="checkbox"/> آشباه <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن		صد هزاران این چنین اشباه بین	فرقشان هفتاد ساله راه بین	
اشباح	جمع شبح، کالبدها، تن‌ها، سایه‌ها، سیاهی‌ها که از دور دیده شوند.	شبح	اشباه <input type="checkbox"/> اشباح <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن		در پندار وی جانوران گوناگون و اشباح در آن وجود داشتند.		
فارغ	آسوده، رهاشده، دست کشنده از کاری	فراغت، فرغت	فارغ <input type="checkbox"/> فارق <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن		از سوی خانه بیامد خواهش	بر دکان بنشست فارغ، خواهش	(ص ۱۳)
فارق	جداکننده، آن که بین حق و باطل فرق می‌گذارد	فرق، تفریق، فراق	فارغ <input type="checkbox"/> فارق <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن		شارق من، فارق من، از نظر خالق من	شمع کشی دیده کنی در نظر و منظر من	
درس پانزدهم: درس آزاد (ادبیات پومی ۲)				
واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری
-	-	-	- <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن				

روان خوانی: طزاران		درس شانزدهم: خسرو			
تکرار برای ماندگاری	تمرین نوشتاری	تمرین انتخابی	هم خانواده	متادف	واژه
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	بی درنگ، بدون اندیشه سخن گفتن یا شعر سرودن	ارتجالاً
نمونه در متن: صفحه‌ی سفیدی را بازمی کرد و ارتجالاً انشایی می ساخت. (ص ۱۲۰)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> استرهام <input type="checkbox"/> استرحام	رحم، رحمت	رحم خواست، طلب رحم کردن	استرحام
نمونه در متن: مخدول و و بالان استرحام می کرد. (ص ۱۲۴)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> استماع <input type="checkbox"/> استماء	سمع، سماع	شنیدن، گوش دادن	استماع
نمونه در متن: «من گوش استماع ندارم، لمن تقول..» (ص ۱۲۵)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	لزوم، لازم	ضرورت، لازم گردانیدن، واجب گردانیدن	الزام
نمونه در متن: خروس چه الزامی دارد که حرکاتش «مناسب حال درویشان» باشد؟ (ص ۱۲۲)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> آوان <input type="checkbox"/> غوان	-	وقت، هنگام	آوان
نمونه در متن: در آن آوان دو کلاس از ما جلوتر بود. (ص ۱۲۴)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	القصه، به هر حال، خلاصه	باری
نمونه در متن: باری، خسرو انشای خود را چنین آغاز کرد. (ص ۱۲۱)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	بداندیش، بدخواه، دشمن	بدسگال
نمونه در متن: «دمی آب خوردن پس از بدسگال به از عمر هفتاد و هشتاد سال» (ص ۱۲۳)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	سر جانور را بریدن، به عمل ذبح کردن «بسمل کردن» گفته می شود.	بسمل کردن
نمونه در متن: سرش از تن جدا و او را نیز بسمل کردم. (ص ۱۲۳)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> پلاص <input type="checkbox"/> پلاص	-	جامه‌ای کم ارزش، گلیم درشت و کلفت	پلاص
نمونه در متن: خسرو در گوشه‌ای، زیر پلاسی مُندرس، بی سروصدا، جان سپرد. (ص ۱۲۴)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> تعلیقات <input type="checkbox"/> تألیقات	تعلق، متعلق	جمع تعلیق، پیوسته‌ها و یادداشت مطالب و جزئیات در رساله یا کتاب	تعلیقات
نمونه در متن: تصویر سر تیپ را با «ضمایم و تعلیقات» در نهایت مهارت و استادی کشید. (ص ۱۲۳)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> تقریر <input type="checkbox"/> تغریر	اقرار	بیان، بیان کردن	تقریر
نمونه در متن: سبک تقریر او در انشا تقلیدی بود کودکانه از گلستان سعدی. (ص ۱۲۰)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	اکرام، اکرم	گرامیداشت	تکریم
نمونه در متن: «خسرو پهلوان» را همه می شناختند و می ستودند و تکریمش می کردند. (ص ۱۲۴)					
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	لاغر و باریک اندام	تکیده
نمونه در متن: از چهره‌ی تکیده‌اش بدبختی و سیه‌روزی می بارید. (ص ۱۲۵)					

تصدیق نامه	گواهی نامه	مصداق	تصدیق نامه <input type="checkbox"/> تصدیق نامه <input type="checkbox"/> تصدیق نامه	□□□□ □□□□
نمونه در متن	همین باعث شد که نتواند تصدیق نامه‌ی دوره‌ی ابتدایی را بگیرد.	(ص ۱۲۲)			
جلاجل	جمع جَلْجَل: زنگ، زنگوله	-	-	□□□□ □□□□
نمونه در متن	جلاجل در گردن او محکم بسته.	(ص ۱۲۸)			
حُجَب	شرم و حیا	محبوب	هَجَب <input type="checkbox"/> حَجَب <input type="checkbox"/>	□□□□ □□□□
نمونه در متن	با خوش رویی و در عین حُجَب و فروتنی آن را گرفت.	(ص ۱۲۴)			
حَلَبی	ورق آهن نازک که هر دو روی آن قلع اندود شده باشد.	-	هَلَبی <input type="checkbox"/> حَلَبی <input type="checkbox"/>	□□□□ □□□□
نمونه در متن	در بازگشت از زیارت قم آن کیف حَلَبی و کوزه‌ها را آورده بود.	(ص ۱۲۴)			
خسروانی خورش	خورش و غذای شاهانه	-	-	□□□□ □□□□
نمونه در متن	مخور طعمه جز خسروانی خورش که جان یابدت زان خورش، پرورش	(ص ۱۲۲)			
خودرو	خودرأی، خودسر، لجوج	-	-	□□□□ □□□□
نمونه در متن	خسرو هم با آنکه خودرو و خودسر بود، اندرز مادر بزرگ ناتوان را به گوش اطاعت شنید.	(ص ۱۲۲)			
دانگ	بخش، یک‌ششم چیزی	-	-	□□□□ □□□□
نمونه در متن	خسرو این بیت سعدی را با آواز خوش شش دانگ خواند.	(ص ۱۲۳)			
دستار	پارچه‌ای که به دور سر بپیچند، سربند و عمامه	-	-	□□□□ □□□□
نمونه در متن	پس آن مرد، جامه و دستار برکشید و بدان چاه فرو شد.	(ص ۱۲۹)			
دوات	مرکب‌دان، جوهر	-	-	□□□□ □□□□
نمونه در متن	قلم آهنین فرسوده را در دوات چرک گرفته‌ی شیشه‌ای فرو برد.	(ص ۱۲۳)			
زنگاری	منسوب به زنگار، سبزرنگ	-	-	□□□□ □□□□
نمونه در متن	حتی با عینک دور بیضی و دسته مفتولی و شیشه‌های کلفت زنگاری، درست و حسابی نمی‌دید.	(ص ۱۲۶)			
شهناز	یکی از آهنگ‌های موسیقی ایرانی، گوشه‌ای در دستگاه شور	-	-	□□□□ □□□□
نمونه در متن	در «شهناز» شوری به پا کرده بود.	(ص ۱۲۴)			
صاحب‌دل	عارف، آگاه	-	-	□□□□ □□□□
نمونه در متن	خود، مردی ادیب و صاحب‌دل بود.	(ص ۱۲۳)			
ضمایم	جمع ضمیمه، همراه و پیوست	ضمیمه	ذمایم <input type="checkbox"/> ضمایم <input type="checkbox"/>	□□□□ □□□□
نمونه در متن	تصویر سرتیب را با «ضمایم و تعلیقات» در نهایت مهارت و استادی کشید.	(ص ۱۲۳)			
طبیعت	عادت، طبع و سرشت، خو	طبع	-	□□□□ □□□□
نمونه در متن	این را من از روی «طبیعت» کشیده‌ام.	(ص ۱۲۳)			
طُرفه	شگفت‌آور، عجیب	-	-	□□□□ □□□□
نمونه در متن	طُرفه مردمان اند مردمان این دیار.	(ص ۱۲۹)			
طمانینه	آرامش، سکون و قرار	اطمینان	طمعینه <input type="checkbox"/> طمانینه <input type="checkbox"/>	□□□□ □□□□

(ص ۱۲۲)	گُرک و پشم سرِ قلم را با وقار و طمأنینه‌ی تمام پاک کرد.				نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	خشم کردن بر کسی، سرزنش کردن	عتاب کردن
(ص ۱۲۳)	به میرزا عباس عتاب کرد که «این تلاوت قرآن نیست».				نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> انود <input type="checkbox"/> عنود	-	ستزه کار، دشمن و بدخواه	عنود
(ص ۱۲۴)	«حسودان تنگ‌نظر و عنودان بدگهر» وی را به می و معشوق و لهو و لعب کشیدند.				نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	سرشار و فراوان، بسیار فیض‌دهنده	فیاض
(ص ۱۲۴)	مگر در ریاضی که «کمیتش لنگ بود».				نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	ناگزیر، ناچار	لاجرم
(ص ۱۲۴)	«لاجرم سپر بینداخت».				نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	برای چه کسی می‌گویی؟	لمن تقول
(ص ۱۲۵)	«من گوش استماع ندارم، لمن تقول».				نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> لحو و لعب <input type="checkbox"/> لهو و لعب	-	بازی و سرگرمی، خوش‌گذرانی	لهو و لعب
(ص ۱۲۴)	وی را به می و معشوق و لهو و لعب کشیدند.				نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> معلوف <input type="checkbox"/> مألوف	الفت	خوگرفته	مألوف
(ص ۱۲۴)	یک روز خسرو برخلاف عادت مألوف یک کیف حلبی که روی آن با رنگِ روغن ناشیانه گل و تپه نقاشی شده بود، به مدرسه آورد.				نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	تداول	معمول، مرسوم	متداول
(ص ۱۲۴)	در آن زمان، کلمات «دبستان» و «بزرگ» مانند امروز متداول نبود.				نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> مخذول <input type="checkbox"/> مخذول	خذلان	خوار، زبون گردیده	مخذول
(ص ۱۲۴)	مخذول و نالان استرحام می‌کرد.				نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> مسخره‌گی <input type="checkbox"/> مسخرگی	سخره، تمسخر	لطیفه‌گویی، دلکمی	مسخرگی
(ص ۱۲۴)	حالات نکتم که مطربی و مسخرگی پیشه‌سازی.				نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	چیزی که نوشیدن آن مستی می‌آورد؛ مثل شراب	مُسکر
(ص ۱۲۵)	«فی‌الجمله نماد از معاصی مُسکری که نکرد و مُسکری که نخورد».				نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	طرب	عمل و شغل مطرب	مُطربی
(ص ۱۲۴)	حالات نکتم که مطربی و مسخرگی پیشه‌سازی.				نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> معاصی <input type="checkbox"/> معاصی	معصیت، عاصی	جمع معصیت، گناهان	معاصی
(ص ۱۲۵)	«فی‌الجمله نماد از معاصی مُسکری که نکرد و مُسکری که نخورد».				نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> مغلوب <input type="checkbox"/> مغلوب	غلبه، غالب	شکست‌خورده	مغلوب

نمونه در متن		بر خریف مغلوب که تسلیم اختیار کرده، رجم نیاورد.			(ص ۱۲۴)
مفتول	سیم، رشته‌ی فلزی دراز و باریک	-	مفتول <input type="checkbox"/> مفتول <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن		حتی با عنیک دور بیضی و دسته مفتولی و شیشه‌های کلفت زنگاری، درست و حسابی نمی‌دید.			(ص ۱۲۰)
ملفت شدن	آگاه شدن، متوجه شدن	التفات	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن		ملفت نمی‌شد که خسرو از روی کاغذ سفید، انشای خود را می‌خواند.			(ص ۱۲۰)
مَنّت	سپاس، شکر	-	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن		طرّار گفت: بر خود مَنّت دارم.			(ص ۱۲۹)
منجّلاب	محل جمع شدن آب‌های کثیف و بدبو	-	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن		این شکست او را از میدان قهرمانی به منجّلاب فساد کشید.			(ص ۱۲۵)
مُنْدرس	کهنه، فرسوده	-	مُنْدرس <input type="checkbox"/> مندرس <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن		خسرو در گوشه‌ای، زیر پلاسی مُنْدرس، بی سروصدا، جان سپرد.			(ص ۱۲۵)
مُنْگر	زشت، ناپسند	-	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن		فی‌الجمله مانند از معاصی منگری که نکرد و مسکری که نخورد.			(ص ۱۲۵)
واژه‌های داخل متن					
واژه		مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری
تکرار برای ماندگاری					
دراز گوش	خر، الاغ	-	-	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن		مردی به بغداد آمد و بر دراز گوش نشسته بود.			(ص ۱۲۸)
ضمایم	جمع ضمیمه، پیوست‌ها	انضمام	ذمایم <input type="checkbox"/> ضمایم <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن		تصویر سرتیب را با ضمایم و تعلقات در نهایت مهارت و استادی کشید.			
ذمایم	جمع ذمیمه، نکوهیده‌ها	مذموم، مذمت	ذمایم <input type="checkbox"/> ضمایم <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن		از معاصی مدارشان معصوم و ذمایم مسازشان مذموم			
جفت‌های املائی					
واژه		مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری
تکرار برای ماندگاری					
غذا	خوردنی، آنچه خورده شود	تغذیه، غذایی	غذا <input type="checkbox"/> غذا <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن		غذا گر لطیف است و گر سرسری			چو دیرت به دست اوفتد خوش خوری
غزا	جنگ کردن (با دشمن دین)	غزو، غزوه، مغازی	غزا <input type="checkbox"/> غزا <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن		در غزا بر پهلوانی دست یافت			رود شمشیری بر آورد و شتافت
قضا	تقدیر و حکم الهی	قضائیه، قاضی، قضاوت	قضا <input type="checkbox"/> قضا <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن		کیوتری که دگر آشیان نخواهد دید			قضا همی بردش تا به سوی دانه و دام
گزاردن	ادا کردن، انجام دادن، بیان کردن	سپاس گزار، مَنّت گزار، خدمت گزار، خبر گزار، خواب گزار، پیغام گزار	گزاردن <input type="checkbox"/> گزاردن <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>

نمونه در متن		چو خدمتگزاریت گردد کهن		حق سالیانش فرامش مکن	
گذارن	رها کردن، گذاشت، نهادن، طی کردن، سپردن	تخم گذار، پایه گذار، قانون گذار، بنیان گذار	گذارن <input type="checkbox"/> گذارن <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن		وزان جایگه ران بیفشاردند		به رزم اندرون گزر بگذارند	
موضع	محل، جای	وضعیت، اوضاع	موزع <input type="checkbox"/> موضع <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن		چنان که موضع خالی یافت، جلاجل از گردن بُز باز کرد.		(ص ۲۴۸)	
موزع	توزیع کننده، پخش کننده	توزیع، وزع	موزع <input type="checkbox"/> موزع <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن		موزع کن به خود اوقات و ساعت		به روز و شب به انواع عبادت	
غریب	هر چیز نادر و نو، دور از وطن، بیگانه	غربت، غرابت	غریب <input type="checkbox"/> غریب <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن		در دیست درد عشق که هیچش طیب نیست		گر دردمند عشق بنالد، غریب نیست	
قریب	نزدیک، خویشاوند	قرب، قرابت، مقاربت	قریب <input type="checkbox"/> قریب <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن		بگریست چشم دشمن من بر حدیث من		فضل از غریب هست و وفا در قریب نیست	
غالب	غلبه کننده، چیره شونده	غلبه، مغلوب	غالب <input type="checkbox"/> قالب <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن		لیکن خروس غالب، حرکتی کرد نه مناسب حال درویشان			
قالب	شکل، بدن، کالبد	مقلوب (جابه جا)	غالب <input type="checkbox"/> قالب <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن		نجوید جان از آن قالب جدایی		که باشد خون جامش در رگ و پی	
عرض	بیان مطلبی با احترام و ادب	عارض، اعتراض	ارض <input type="checkbox"/> عرض <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن		عرض کردم: حرام از یک کف دست کاغذ و یک بند انگشت مداد که خسرو به مدرسه بیاورد.			
ارض	زمین	اراضی	ارض <input type="checkbox"/> ارض <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>
نمونه در متن		چه برده بود که ابلیس پیش از این برده		به سجده بام سموات و ارض می پیمود	

تکرار برای ماندگاری		تمرین نوشتاری	تمرین انتخابی	هم‌خانواده	مترادف	واژه
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	برتر	بالاین، برتر	برین	
نمونه در متن: ای انقلاب زمین که با انقلاب آسمان برین پیوند خورده‌ای. (ص ۱۳۳)						
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	باغ انگور	ناکستان	
نمونه در متن: جز تو، کسی نمانده است که در زندگی ما نخل و عنب و ناکستان بکارد. (ص ۱۳۵)						
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	حماسه <input type="checkbox"/> حماسه <input type="checkbox"/>	حماسی	دلیری، نوعی از شعر	حماسه	
نمونه در متن: ای سرور سروران ای برترین حماسه (ص ۱۳۴)						
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	لباس بلند، جلوپاز و بی دکمه	ردا	
نمونه در متن: ای که ردای حسین را بر دوش و خورشید کربلا را در بر داری (ص ۱۳۳)						
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	شریف	ارجمندی، باشرف بودن	شرافت	
نمونه در متن: روستایی که با «صدر» ش، با سینه‌اش از شرافت خاک و کرامت انسان بودن دفاع کرد. (ص ۱۳۵)						
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	افسار، دهنه‌ی اسب	لگام	
نمونه در متن: تیمور لنگ، گاه سوار بر اسبی که لگامی زرین داشت، از میدان جنگ به گورستان می‌رفت. (ص ۱۳۶)						
واژه‌های داخل متن						
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	نیاکان، نیاوران	پدربزرگ، جد	نیا	
نمونه در متن: آن‌جا که نیای بزرگش، چنگیز، آرمیده است. (ص ۱۳۹)						
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	تاتار <input type="checkbox"/> طاطار <input type="checkbox"/> تاطار <input type="checkbox"/>	-	از تبار مغول‌ها	تاتار	
نمونه در متن: پس، از راه فرّه قوم به سوی تاتار روی آورد. (ص ۱۳۹)						
جفت‌های املائی						
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	غرق <input type="checkbox"/> قرق <input type="checkbox"/>	مستغرق، غریق	در آب فرو رفتن، خفه شدن	غرق	
نمونه در متن: ام‌زار شاعر غرق در گل بود. (ص ۱۳۹)						
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	غرق <input type="checkbox"/> قرق <input type="checkbox"/> غرغ <input type="checkbox"/>	-	جایی که مخصوص اشخاص خاصی باشد و از ورود دیگران به آن‌جا جلوگیری شود.	قرق	
نمونه در متن: گل در قرق غرق کند از شرم روی تو صافی به کوچه‌ها دود از حسنجوی تو (ص ۱۳۹)						
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	خوار <input type="checkbox"/> خوار <input type="checkbox"/>	-	پست، زبون، سرافکننده	خوار	
نمونه در متن: سر بخت بدخواه با چشم اوی چو دینار خوانست بر چشم اوی (ص ۱۳۹)						
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	خار <input type="checkbox"/> خوار <input type="checkbox"/>	-	هر چیز شبیه تیغ گیاه	خار	

نمونه در متن

تا خار غم عشقت آویخته در دامن

کوته نظری باشد، رفتن به گلستان‌ها

روان خوانی: سه پرسش		درس هجدهم: عظمت نگاه				
تکرار برای ماندگاری	تمرین نوشتاری	تمرین انتخابی	هم خانواده	مترادف	واژه	
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	کافی، کفایت	بسندگی کردن، کفایت کردن	اِکتفا	
		از چه، به یک کله تو را اکتفاست		از چه، شهبان ملک ستانی کنند		نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> طراز <input type="checkbox"/> طراز	-	پادشاهان روسیه در گذشته	تزار	
				مردان اندیشه‌ور به دربار تزار رفتند.		نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	متمایز، تمیز	فرق گذاشتن، جدا کردن	تمایز	
				تمایزی میان خدا و خوشبختی قائل مشو.		نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	مالک، ملک	مالک شدن، دارا شدن	تملک	
				بدان که در لحظه لحظه‌ی روز می‌توانی خدا را به تمامی در تملک خویش داشته باشی.		نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	بانگ زد، جار زد، ندا در داد.	چاووش در داد	
				در سرتاسر قلمرو خود چاووش در داد.		نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	دایره یا محیط دایره	چنبر	
				در آستانه‌ی در مثل مار چنبر زد.		نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	مشاور	رایزن	
				رایزنان در مورد برخی کارها هیچ‌گاه نمی‌توانند نظر بدهند.		نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> راهب <input type="checkbox"/> راهب	رهبانیت	عابد مسیحی، ترسای پارسا و گوشه‌نشین	راهب	
				راهب در جنگل زندگی می‌کرد.		نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> اود <input type="checkbox"/> اود	-	درختی که چوب آن قهوه‌ای رنگ و خوشبو است و آن را در آتش می‌اندازند که بوی خوش دهد.	عود	
				بسوز ای دل که تا خامی، نیاید بوی دل از تو کجا دیدی که بی آتش، کسی را بوی عود آمد		نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> غایی <input type="checkbox"/> غایی	غایت	نهایی	غایی	
				نه آخر علت غایی در آخر همی گردد به ذات خویش ظاهر		نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	-	عنصر شیمیایی با رنگ زرد روشن که در مجاورت هوا متشعل می‌گردد.	فسفر	
				اعمال ما وابسته به ماست؛ همچنان که روشنایی فسفر به فسفر.		نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> ماعده <input type="checkbox"/> ماعده	-	نعمت، طعام	مأده	
				مأده‌های زمینی و مأده‌های تازه، آندره زید.		نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	-	بنا	ساخته شده، بنا شده، وابسته به چیزی	مبنتی	
				به چشم من هر شناختی که مبتنی بر احساس نباشد، بیهوده است.		نمونه در متن
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/> منحصر <input type="checkbox"/> منحصر	انحصار	ویژه، محدود	منحصر	

نمونه در متن		صنعت چرا نگویم، صمدت چرا نخوانم		که تو منحصر به فردی و هزار نام داری	
نثار	پیشکش کردن، افشاندن	-	نثار <input type="checkbox"/> نثار <input type="checkbox"/>	نثار <input type="checkbox"/> نثار <input type="checkbox"/>
نمونه در متن		تمامی مهرم را نثارش کنم.			
واژه‌های داخل متن					
واژه	مترادف	هم‌خانواده	تمرین انتخابی	تمرین نوشتاری	تکرار برای ماندگاری
معطوف	مورد توجه، متمایل	عطف	مأطوف <input type="checkbox"/> معطوف <input type="checkbox"/>
نمونه در متن		همین که آفریده‌ای نگاهمان را به خویش معطوف کند، ما را از راه آفریدگار بازمی‌گرداند.			
هویدا	آشکار، متضاد پنهان	-	هویدا <input type="checkbox"/> هویدا <input type="checkbox"/>
نمونه در متن		غیبت نکرده‌ای که شوم طالب حضور پنهان نگشته‌ای که هویدا کنم تو را			

نیایش: الهی

تکرار برای ماندگاری	تمرین نوشتاری	تمرین انتخابی	هم‌خانواده	مترادف	واژه
□□□ □□□	هرمت <input type="checkbox"/> حرمت <input type="checkbox"/>	حریم، محترم	آبرو، ارجمندی، احترام	حرمت
نمونه در متن: به حرمت آن صفت که تو چنانی، دریاب که می‌توانی. (ص ۱۴۹)					
□□□ □□□	عاجز <input type="checkbox"/> عاجذ <input type="checkbox"/>	عجز	ناتوان، درمانده	عاجز
نمونه در متن: الهی، عاجز و سرگردانم. (ص ۱۴۹)					
□□□ □□□	مرحمت <input type="checkbox"/> مرحمت <input type="checkbox"/>	رحیم، رحمت	احسان، لطف، مهربانی	مرحمت
نمونه در متن: بر جان‌های ما جز الطاف و مرحمت خود منگوار. (ص ۱۴۹)					